

جنبش‌های سیاسی در فضای چند بعدی فرا منطقه‌گرا: مورد پژوهی کشورهای آسیای جنوب شرقی

دکتر مهدی خلفخانی*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۱۸
تاریخ تأیید نهایی: ۱۳۹۰/۱۰/۳

چکیده

امروزه بررسی نقش و اهمیت تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی در شکل‌دهی به الگوهای اجتماعی به یکی از موضوع‌های بنیادین مطالعات اجتماعی و سیاسی تبدیل شده است. بنابراین قابل پیش‌بینی است که مهم‌ترین چالش حکومت‌های نیمه اقتدارگرا در این دوره، فرهنگ‌پذیری سیاسی، تغییرات سیاسی و جنبش‌های سیاسی باشد. از این رو در این مقاله نگارنده با توجه به نظریه ساختارهای فرصت و بسیج سیاسی، به بررسی جنبش‌های اجتماعی در فضای سایبر در برخی از کشورهای آسیای جنوب شرقی متمرکز شده است. سؤال این است که چگونه ساختارهای فرصت ایجاد شده در فضای سایبر به شبکه‌ای شدن مدنی جنبش‌های اجتماعی در کشورهای جنوب شرق آسیا کمک کرده و ساختارهای فرصت ایجاد شده چگونه به عمل سیاسی جنبش‌های اجتماعی در این کشورها کمک کرده است؟

با توجه به محورهای مذکور، پژوهش حاضر در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی تدوین شده است. رویکرد روش شناختی تدوین این مقاله پلورالیستی (پوزیتیویستی و پسا پوزیتیویستی) و مبتنی بر جمع‌آوری اسنادی و داده‌های ثانویه است. روش تحلیل داده‌ها نیز جامعه‌شناختی است.

واژگان کلیدی: جنبش‌های سیاسی، فضای دیجیتال، دموکراتیزه شدن، فرصت‌های

ساختاری.

مقدمه

جنبش‌های اجتماعی از جایگاه بسیار مهمی در جامعه‌شناسی سیاسی معاصر برخوردارند و بخش مهمی از مطالعات علوم اجتماعی متمرکز به بررسی شیوه‌های عمل، چگونگی شکل‌گیری، علل ایجاد جنبش‌ها، اشکال جنبش‌های اجتماعی و پیامدهای آنها است. این که جنبش‌ها چه اشکالی دارند و چه پیامدهایی را ایجاد کنند، موضوع این پژوهش نیست. ادعای پژوهش حاضر این است که به دلیل ویژگی‌های ساختی و کراتیک بیشتر نظام‌های سیاسی جهان سوم، عمل سیاسی به هر نحوی که بتوان از آن نام برد، چه مشارکت و چه فعالیت در قالب سازمان‌های اجتماع محور (CBOs) با چالش‌های گسترده مواجه شده‌اند. برخلاف بسیاری از کشورهای توسعه یافته از لحاظ سیاسی که به فعالیت جنبش‌های سیاسی به دیده مثبت می‌نگرند و آن را قسمتی از دموکراسی می‌بینند، هرگونه فعالیت سیاسی در قالب نهادی و یا قالب جنبش‌های سیاسی در کشورهای کمتر توسعه یافته مورد تردید است و تلاش عمده بر این است که اولاً جنبش‌ها ایجاد نشوند و اگر هم مجال ظهور یافتند از توان کمتری برای عمومی‌سازی اندیشه‌ها و اهداف خود برخوردار باشند. به عبارتی دیگر در چنین شرایطی، جنبش‌های اجتماعی به دلیل ماهیت غیر مردم‌سالار از اقبال کمی برخوردارند و مجالی برای فعالیت خود پیدا نمی‌کنند.

همچنین، در ساختار کراسی این دسته از کشورها، جنبش‌های اجتماعی با ساختارهای محدود کننده زیادی مواجه اند که این موضوع باعث ناکارآمدی جدی جنبش‌های اجتماعی برای حصول به اهداف جنبش‌ها و پیشبرد برنامه‌ها می‌شوند.

نگارنده این مقاله مدعی است که جنبش‌های اجتماعی (به مفهوم فعالیت جمعی و نهادی) در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته با مشکلات جدی مواجه‌اند. هر چند این به معنی نبود جنبش‌های اجتماعی در این کشورها نیست، بلکه مسئله به اثر بخشی آنها مربوط است. به عبارت دیگر یعنی در ساختار کراسی بیشتر این کشورها، جنبش‌های اجتماعی از اثر بخشی کمی برخوردار هستند.

نکته‌ی مهم این است که در این دسته از کشورها، فعالیت‌های جنبش‌های اجتماعی به معنی تلاش برای تغییر رژیم تلقی شده است، درحالی که این تلقی، برداشت درستی از جنبش‌های اجتماعی نیست، حتی جنبش‌های سیاسی نیز به طور قطع به هدف تغییر رژیم‌های سیاسی ایجاد نمی‌شود، لکن تلقی موجود باعث شده است که

جنبش‌های اجتماعی تحدید شده و یا امکان فعالیت از آنها سلب گردد و این موضوع را می‌توان در ناکارآمدی احزاب و نهادهای اجتماع محوردر این کشورها مشاهده کرد.

اما نکته امید بخش این است که از نظر بسیاری از علمای اجتماعی، در نتیجه ابداعات فناورانه در زمینه تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی، عصر دایره‌المعارف‌گرایی جدید آغاز شده است. برخی از دوران جدیدی تحت عنوان عصر فرامنطقه‌گرا و برخی از آن تحت عنوان عصر پساوستفالیای نام می‌برند. به عبارتی دیگر بسیاری از متخصصان معتقدند که در نتیجه‌ی ابداعات و اختراعات فناورانه نوین و به عنوان اولین فرصت، امکان پردازش و ذخیره سازی حجم گسترده‌ای از اطلاعات و توزیع آن از طریق شبکه‌های اطلاعاتی فراهم شده است. تکنولوژی جدید به انسان‌ها کمک برده که هزینه انتقال اطلاعات به شدت کاهش یابد. (Human development re-port, 2001:43) در این ارتباط برنامه توسعه سازمان ملل، از تغییرات تکنولوژیک مذکور به عنوان تغییر تاریخی نام می‌برند.

تحلیلگران در ارتباط با فرصت‌های اطلاعاتی ایجاد شده نتیجه‌گیری متفاوتی را ارائه کرده‌اند. برای نمونه در "کتاب سایبر دموکراسی" نویسندگان کتاب معتقدند که ابداعات فناورانه اگر چه به تنهایی نمی‌تواند تغییرات سیاسی اجتماعی را تسهیل نماید، ولی تحولات فنی ایجاد شده که سیاستمداران وعده آن را می‌دادند، باعث شبکه‌ای شدن مدنی^۱ خواهد شد. (Tsgarousianon, 1998:3. Tamini and Bryan)

[گرانوتر^۲] در کتاب شبکه‌های سیاسی توضیح داده است که فرصت برای مبادله اطلاعات ضمن توانمندسازی کارگزاران برای دسترسی به داده‌ها و فرصت‌ها، تهدیدات و موقعیت‌ها می‌تواند در فرآیند انتشار جنبش‌های اجتماعی مؤثر باشد. (Mark granovetter, 1990:4)

در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل آمده است که، اینترنت و تکنولوژی‌های جدید در موارد متعدد نشان داده‌اند ابزار قدرتمندی برای بسیج و به حرکت درآوردن مردم در سطح محلی شده‌اند. مبارزات از طریق پست الکترونیکی علیه فساد در انتخابات ۱۹۹۹ کره باعث ایجاد جنبش‌های قوی اینترنتی شده است. جنبش زاپاتیستا

۱. CIVIC NETWORKING MOVEMENT
 ۲. MARK GRANOVETTER

در مکزیک و اطلاع‌رسانی از طریق اینترنت در جریان قتل عام بوسنی‌ها توسط صرب‌ها نیز از این جمله هستند. (Human development report,2001:48-49)

از جانب دیگر [وبستر و کوئینز] انقلاب اطلاعاتی و شرایط جدید ارتباطی را جریانی مقابل فوردیسم و عوارض آن می‌شمارند. از دید آنها فناوری نوین اطلاعاتی پاسخی به زورآزمایی فوردیسم به مثابه شیوه‌ی تولید و زندگی بوده است. انقلاب اطلاعاتی وعده می‌دهد که پاسخ ارضاء‌کننده به هیاهوها برای آزادی بیشتر، دموکراسی، اوقات فراغت، تمرکززدایی و خلاقیت فردی را فراهم کرده و وعده انجام این کار را بر پایه منطقی‌نویین و انعطاف‌پذیرتر برای بسیج عمومی می‌داند. (رابینز، فرانک وبستر، ۱۳۸۵: ۱۶۸)

از دید [بورتون] مهمترین میراث اینترنت این است که باعث ایجاد جوامع الکترونیکی شده است و از همه مهمتر شرایطی ایجاد کرده که باعث ایجاد طبقه‌ای سیال جهان‌وطنی^۱ شده است که با هویت ملی محدود نمی‌شوند. (Burton,1997:36)

[پیتر مامبری^۲] معتقد است که تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطی از یک سو توانسته به دموکراسی مستقیم و نمایندگی کمک و از دیگر سو این تکنولوژی می‌تواند منجر به تکرار ساختارهای سیاسی موجود قدرت و سنگ‌شدگی^۳ نظام‌ها گردد. از سوی دیگر استفاده از آن می‌تواند منجر به افزایش ساختارهای قدرت و شکاف شدید بین گروه‌های حاشیه‌ای و مسلط در اجتماع گردد. از دید ایشان دموکراسی یک پروژه‌ی هنجاری پویای در حال تکامل است که توسط شهروندان و برای شهروندان شکل یافته است. بر اساس دانش موجود، استفاده و بهره‌گیری از تکنولوژی می‌تواند پلات فرم دو سویه‌ای را برای مباحث گسترده و رأی‌دهی فراهم آورد و از سوی دیگر به شهروندان امکان بیان آرای خودشان را فراهم می‌آورد. (Membrey,2004:34)

با توجه به مباحث مذکور پژوهش حاضر به بررسی سؤالات زیر متمرکز شده است:

- چگونه ساختارهای فرصت ایجاد شده در فضای سایبر به شبکه‌ای شدن مدنی جنبش‌های اجتماعی در کشورهای جنوب شرق آسیا کمک کرده است؟
- ساختارهای فرصت ایجاد شده در فضای سایبر چگونه منجر به ایجاد حوزه

۱. Free – floating cosmopolitan class

۲. Peter mambrey

۳. petrification

عمومی جدید برای عمل سیاسی جنبش‌های اجتماعی در این کشورها شده است؟

پیشینه و چارچوب نظری تحقیق

الف: پیشینه تحقیق

در مورد فضای سایبر و تأثیرات اجتماعی و سیاسی آن تحقیقات زیادی انجام شده است که در این قسمت ابتدا به مرور تحقیقات پیشین پرداخته شده و در ادامه چارچوب نظری این تحقیق معرفی می‌شود.

در ارتباط با این پژوهش، کتاب جماعت مجازی (۱۹۹۳) نوشته هوارد اینگولد از نخستین و معروفترین پژوهش‌هایی است که طی یک دهه اخیر و در اوائل دهه نود میلادی در نخستین مراحل جهانی شبکه‌اینترنِت به بررسی تأثیرات سیاسی و اجتماعی این شبکه پرداخته است. راینگولد که از سال ۱۹۸۵ به عنوان عضو یک جماعت مجازی به برقراری ارتباط روزمره با دیگر اعضای شبکه از طریق کنفرانس از راه دور، پست الکترونیک و گروه خبری می‌پرداخت، ماحصل تجربیات خود را در تدوین نظریه‌ای درباره تأثیرات اینترنت در تقویت و تحکیم دموکراسی و ایجاد اشکال جدیدی از مشارکت سیاسی شهروندان در یک حوزه عمومی مجازی به کار گرفت. تر اصلی کتاب راینگولد که به صورت الکترونیک هم منتشر شده این است که اینترنت ممکن است عصر جدیدی از دموکراسی مشارکتی و شورایی را در مقام حوزه عمومی سیاسی پدید آورد. به نظر او اجتماعات مجازی در حال رشد در اینترنت می‌توانند به شهروندان در احیاء ابعاد از دست رفته دموکراسی و ایفای نقش جدی‌تر مردم در فرآیند سیاسی کمک کنند.

دموکراسی نوین مشارکتی که راینگولد بدان اشاره می‌کند صورتی از دموکراسی است که برخی آن را آرمانشهری خوانده و به آن آتن بدون بردگان لقب داده‌اند. دولت‌شهر آتنی مدرن به شکل یک جماعت مجازی در اینترنت ظاهر می‌شود. این شبکه نقش آگواری آتنی را به عهده می‌گیرد که در درون آن شهروندان آزاد به مباحثه

دربارهٔ امور عمومی جامعه می‌پردازند. (Rheingold, 1999: 121_133)

مارک پوستر دانشمند استرالیایی مقیم آمریکا که از سال‌ها پیش در زمینه تعاملات فناوری دیجیتال و روندهای اجتماعی و سیاسی سرگرم پژوهش و آموزش است، در سال ۱۹۹۹ مقاله‌ای درباره سایبر دموکراسی نوشت: ایده هابرماسی حوزه عمومی را در مطالعه اینترنت باید کنار گذاشت، زیرا اینترنت به گونه‌ای سیستماتیک، فضایی

مناسب برای احیاء حوزه عمومی است. (poster,1999:11)

این دیدگاه پوستر تفاوت فاحشی با نظریاتی دارد که وی در سال ۱۹۹۷ در تحقیقی به نام (سایبر دموکراسی، اینترنت و حوزه عمومی) مطرح کرد و در آن وجود شرایطی چون دسترسی همگانی، نامتمرکز بودن ارتباط در اینترنت و فراهم بودن فضایی برای مباحثه شهروندان را دلیلی بر امکان پذیری ایفای نقش این شبکه در مقام حوزه عمومی دانست. پوستر در تحقیقات اولیه خود اتخاذ رهیافتی تازه در مطالعه دموکراسی را با توجه به ظهور شبکه اینترنت ضروری دانسته و در عین حال مفهوم حوزه عمومی را (قلب و محور صورت بندی نظر تازه ای درباره دموکراسی) معرفی کرده بود، لیکن در نوشته های اخیرش کاربرد مفهوم حوزه عمومی را در مطالعه اینترنت نارسا خوانده و خواستار رها کردن آن است. به عقیده پوستر مدرنیست‌ها تصور می کنند که اینترنت ابزاری بیش نیست، در حالی که چنین نیست و نمی توان گفت که ارتباطات رایانه ای به ویژه اینترنت فناوری های خنثی و بی طرفی هستند. وی در نتیجه گیری از بحث خود می نویسد: سؤال مهمی که در مطالعه اینترنت باید پرسید این است که آیا انواع جدیدی از روابط در درون شبکه اینترنت پدید آمده یا خواهد آمد که موجب ظهور اشکال تازه ای از قدرت سیاسی بین افراد در حال ارتباط گردد؟ (Poster,1997:7)

[ایوند وارد] در مقاله پژوهشی (چگونه می توانیم دموکراتیک شویم، اینترنت، حوزه عمومی و گفتگوی جمعی) در سال ۱۹۹۷ برخلاف شنایدر وجه تعاملی رابطه شهروندان و دولت در اینترنت را در کانون توجه خود قرار داد. ایوند این پرسش را مطرح کرد که (آیا شبکه اینترنت می تواند ابزاری برای افراد خصوصی باشد تا با استفاده از آن بر دولت و قدرت سیاسی نفوذی دموکراتیک اعمال کنند؟) برای پاسخگویی به این سؤال [وارد] باید از تبیین هابرماس درباره چگونگی ظهور و رشد حوزه عمومی بورژوازی اروپایی بهره گرفت. وارد در مقاله خود ضمن یادآوری این که (هرگونه فناوری دارای محدودیت های مادی و اقتصادی است، تأکید کرد که اینترنت نیز چنین است و ذاتاً شبکه ای برابری زا و رهایی بخش نیست. با این تأکید وارد خود را در زمره کسانی قرار می دهد که اعتقادی به جبر تکنوکراتیک ندارند و از موضعی اختیارگرایانه به فناوری می نگرند. (Ward,1997:27-31)

چارلز اس یکی از دیگر پژوهشگران در کتاب خود به نام (دموکراسی سیاسی

رایانه ای، ارتباطات رایانه ای و هابرماس) ۱۹۹۶ به بررسی ارتباطات میان افراد در درون برخی زیر شبکه‌های اینترنتی پرداخته است. وی با تأکید بر ماهیت آزادانه و اختیاری مشارکت افراد در این شبکه‌ها می‌نویسد (این گونه مشارکت‌ها پتانسیل‌های دموکراتیک اینترنت را در مقام حوزه عمومی افزایش می‌دهد. (Ess,1996:56)

[اندرو آویس] پژوهشگر کانادایی نیز رساله فوق لیسانس خود را در سال ۱۹۹۵ به بررسی نقش جماعات مجازی جدید در روندهای دموکراتیک اختصاص داد. آویس مقولاتی چون مشارکت سیاسی، دسترسی به آموزش‌های اجتماعی و تکامل مجامع مجازی در اینترنت را در تحقیق خود مورد توجه قرار داده و نقش سیاستگذاری دولتی در شکل‌گیری و نحوه عملکرد جماعات مجازی متشکل از شهروندان مرتبط در شبکه را بررسی کرده است. مدل نظری پژوهش آویس هم از تحلیل‌های هابرماس درباره حوزه عمومی اخذ شده است. نکته جالب توجه در این پژوهش آن است که آویس برخلاف اکثر محققان که با استناد به نظریه هابرماس کنترل و سیاستگذاری دولتی و متمرکز را تهدیدی برای ارتباطات آزاد و دموکراتیک در اینترنت می‌دانند، معتقد است که سیاست‌های دولتی در کانادا به حفظ و ارتقاء فضای مباحثه و تقویت مشارکت مدنی سیاسی در جامعه از طریق اینترنت کمک کرده است (Avis,1995:45)

[جان.ب. تامپسون] نیز معتقد است که فهم و دریافت رضایتبخش سیاست در دنیای مدرن با توسل به مفهوم عمومیت امکان‌پذیر نیست. وی در نقد تئوری هابرماس درباره حوزه عمومی و مناسب بودن آن برای مطالعه ارتباطات سیاسی رایانه ای می‌نویسد: هابرماس با تأکید بر مفهوم سنتی عمومیت به عنوان حضور همزمان مردم در یک فضای گفتگویی خود را از درک اشکال جدید عمومیت که رسانه‌های جدید به وجود آورده اند محروم کرده است. وی این رسانه‌ها را از دریچه مدل سنتی عمومیت می‌بیند، حال آن‌که این مفهوم سنتی حوزه عمومی جای خود را به اشکال تازه ای داده است. (Thompson,1997:39)

[دیوید هلمز] با استناد به این نظر تامپسون با اشاره به دیدگاه‌های جدیدتر به ویژه نظریات منتقدان هابرماس در بحث حوزه عمومی، وجه دیگری از نظریات هابرماس را زیر سؤال برده و می‌نویسد: ارتباط رایانه ای جدید همچون رسانه‌های سنتی (روزنامه، رادیو، تلویزیون) محدود به مرزهای ملی نیستند، به همین دلیل سؤالاتی درباره رابطه حوزه عمومی با دولت - ملت مطرح می‌شود از جمله این که آیا ما فقط

با یک حوزه عمومی در شبکه‌های رایانه ای سر و کار داریم یا حوزه های عملاً متعدد؟ (Holmes,1997:18)

رساله دکتری [کیم بنگ فار] در رشته حقوق و دیپلماسی از جمله معدود پژوهش‌های جدید راجع به تأثیرات سیاسی اینترنت در زندگی سیاسی برخی ملل آسیایی است. فار در رساله خود در پی پاسخ به این پرسش است که آیا اینترنت می‌تواند سیاست و جامعه را در کشورهای شرق و جنوب آسیا از جمله چین تغییر دهد؟ و اگر آری، این تغییر در چه جهتی و تا چه حدی خواهد بود؟

فار با بررسی ویژگی‌های شبکه اینترنت نظیر کاهش روز افزون هزینه‌های دسترسی و ارتباط در شبکه و ارائه امکان جدید برای تشکیل گروه‌های مجازی جهت فعالیت برخط (آن لاین) می‌نویسد: اینترنت در کشورهای آسیایی تاکنون آثار اقتصادی مثبتی از خود بر جای گذاشته است ولی در زمینه سیاسی، میزان تأثیر آن تنها با گذشت زمان مشخص خواهد شد. (Phar.2000:13_16)

از دیگر کارهای انجام شده در این زمینه رساله دکتری [خلفخانی] تحت عنوان فرصت‌های ارتباطی و اطلاعاتی برای دموکراتیزه شدن در فضای سایبر است. در این تحقیق هدف این بود که توضیح داده شود در فضای جدید ناشی از انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی، چقدر تحقق آزادی یا دموکراسی به معنی حوزه عمومی ممکن خواهند شد؟

نویسنده در این رساله با رویکرد نظری آنتونی گیدنز، گرامشی، آلتوسر و نهایتاً دیدگاه‌های نظری میخائیل باختین و یورگن هابرماس، شرایط جدید دیجیتال ایجاد شده در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه را به آزمون می‌گذارد. نویسنده با استنتاج از دیدگاه‌های نظری ارائه شده، معتقد است، دولت‌ها در جهان سوم، دارای ویژگی‌هایی متفاوت از دولت مدل دولت ملی و وستفالیایی در غرب بوده‌اند و از این روی، این دولت‌ها بیشتر به دولت و حکومت حداقلی مدنظر لوسی میر، دولت‌های بیش از اندازه سیاسی شده، دولت‌های کمیتزین، دولت‌های نئوپاتریمونیل، دولت‌ها با ویژگی استبداد شرقی و دولت‌های رانتیه یا تحصیل‌دار شبیه هستند.

از دید نویسنده، دولت در مدل جهان در حال توسعه، مسئول اساسی توسعه نیافتگی حوزه‌ی عمومی است. به عبارتی دیگر، شرایط جدید ایجاد شده ضمن این که قابلیت رمز گذاری بر اندیشه‌های مردمان تحت تبعیت دولت‌ها در جهان سوم

را تضعیف خواهد کرد، منجر به فروپاشی دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت یعنی رسانه به عنوان آخرین دژهای دولت‌های نیمه اقتدار گرا خواهد شد. از سوی دیگر نویسندگان معتقد است فرصت‌های جدید فناورانه، امکانات زیادی را برای توسعه و بسط حوزه عمومی فراهم خواهد آورد. اینترنت و وبلاگ‌ها باعث بسط حوزه‌ی جدید عمومی خواهد شد که بعضی‌ها از آن تحت عنوان حوزه‌ی عمومی وبلاگ‌ها و اینترنت نام برده‌اند و برخی شرایط ایجاد شده ناشی از آن را دایره‌المعارف‌گرایی نوین می‌دانند.

نویسندگان در این راستا کار خود را به توضیح ساختارهای مسئول اساسی ایجاد فضای سایبر متمرکز کرده و معتقد است که شبکه‌ی اینترنت مبتنی بر ساختار دموکراتیک تری از رسانه سنتی چون رادیو و تلویزیون است. از این روی، اینترنت باعث ایجاد فرصت‌های زیادی می‌شود که برخی از اندیشمندان این فرصت‌ها را با تحولات اطلاعاتی و نانو بیوتکنولوژی ترکیب و از شروع عصر گذارها صحبت می‌کنند. به هر حال نویسندگان در این رساله در بررسی‌هایی که در چند کشور جهان سوم انجام داده، به این نتیجه رسیده‌اند که در کشورهای مورد مطالعه که از بیشتر قاره‌های دنیا انتخاب شده‌اند، اینترنت باعث ایجاد حوزه عمومی جدید شده است و در این مورد به پی‌آمد ایجاد حوزه‌ی عمومی جدید به عنوان سنتز رساله اشاره می‌کنند. (خلفخانی، ۲۵۰:۱۳۸۷)

ب: مروری بر نظریات و چارچوب نظری

در مورد جنبش‌های اجتماعی دیدگاه‌های نظری زیادی وجود دارد. با این حال این پژوهش متمرکز به آزمون دو نظریه فرصت و نیز بسیج منابع است. از این روی ابتدا نظریات مذکور معرفی و در ادامه مدل نظری این تحقیق معرفی می‌شود.

نظریه بسیج منابع :

رویکرد بسیج منابع را می‌توان زیر مجموعه‌ای از نظریه گسترده‌تر انتخاب عقلانی به شمار آورد، ویژگی اساسی این رویکرد نظری توجه و تأکید آن بر عقلانی بودن رفتار کنشگران اجتماعی است. مطابق این برداشت که منبعث از دیدگاه‌های فایده‌گرایانه مطرح در سنت فکری لیبرالسیسم است، کنشگران اجتماعی همواره مشغول بررسی عواقب و نتایج کنش خود و محاسبه سود و زیان احتمالی ناشی از دست زدن به آن کنش هستند، بدین ترتیب، صاحب‌نظران این رویکرد برخلاف صاحب‌نظران مکتب

کارکردگرایی که پیش از دهه ۱۹۷۰ بر حوزه نظری جنبش‌های اجتماعی حاکم بود، جنبش‌های اجتماعی را به هیچ وجه رفتارهایی انعکاسی و کنش غیرعقلانی به حساب نمی‌آورند. همچنین مطابق این دیدگاه دیگر نمی‌توان تمایز چندانی میان سیاست نهادینه از قبیل رقابت‌های حزبی و جنبش‌های اجتماعی قائل شد، بدین معنا که جنبش اجتماعی تداوم اشکال متعارف کنش سیاسی فرض می‌شود که بازیگران درگیر آنها به شیوه‌ای منطقی به دنبال کسب منابع خویش‌اند. بدین ترتیب جنبش‌ها نیز بخشی از فرآیند و جریان طبیعی سیاست‌اند. سؤال اصلی مطرح در این رویکرد آن است که بسیج در چه مواقعی شکل می‌گیرد؟ پاسخ به این سؤال از آن‌جا اهمیت دارد که علی‌رغم عمل کردن کنشگران در همه جا و همیشه بر طبق مفروضات این نظریه کنش جمعی و بسیج پدیده‌ای دائمی و فراگیر نیست. به عبارت دیگر با وجود این که کمابیش همه انسان‌ها همواره با وضعیت مطلوب زندگی خود احساس فاصله می‌کنند، چرا تنها در برخی مواقع به دنبال دستیابی به منابع خود از طریق کنش جمعی بر می‌آیند و چرا علی‌رغم تعارض دائمی منابع کنشگران بسیج امری دائمی نیست؟ در پاسخ به این سؤال است که نظریه پردازان این رویکرد، بحث منافع را مطرح می‌سازند. از نظر آنها جنبش‌های اجتماعی، بسیجی هدفمند هستند که در زمان موجود بودن منابع لازم برای آن اعم از منابع مادی و نمادین، امکان تحقق می‌یابد. جنبش‌های اجتماعی بدون منابع قابل توجه شامل پول، نیروی انسانی، تسهیلات اداری، دفتری، تجهیزات ارتباطاتی، دسترسی به رسانه‌های گروهی و یک تصویر مردمی مثبت، نمی‌توانند به توفیق برسند و حتی در سطحی جدی شکل بگیرند. ظهور افول جنبش‌ها وابسته به توان آنها برای جذب منابع و بسیج کردن افراد و شکل دادن به ائتلاف است.

(Mccionnis and plummer, 1997:457 به نقل از مشیرزاده ۱۴۳:۱۳۸۱)

از میان نظریه پردازان مطرح در این زمینه می‌توان به اولسون اشاره کرد. سهم عمده اولسون در نظریه بسیج منابع، طرح منطق کنش جمعی با توجه به مسأله سواری مجانی است. این مسأله از دو امر متناقض نما حاصل می‌شود:

اول: کنشگران همواره به دنبال بیشینه کردن منابع خود از طریق کنش‌هایشان هستند. دوم: شرکت کردن در کنش جمعی نمی‌تواند به منظور دستیابی به اهداف جمعی صورت گیرد، به بیان دیگر کنش جمعی در شرایطی صورت می‌پذیرد که برای هر یک

از مشارکت کنندگان به صرفه تر آن خواهد بود که بدون شرکت در کنش جمعی و متحمل شدن هزینه‌ها و مخاطرات احتمالی تنها از منافع حاصل از آن که کالایی عمومی است، بهره‌مند شود. اما از آنجا که کنش‌های جمعی، واقعاً رخ می‌دهند، این سؤال در چارچوب نظریه بسیج منابع به این صورت مطرح می‌شود که در چه مواقعی منابع بالقوه شرکت در جنبش از هزینه‌های احتمالی شرکت در آن فزونی گرفته و کنش اجتماعی را منطقی می‌سازد؟

نظریه پردازان گونه‌سازمانی نظریه بسیج منابع، شرط وقوع جنبش را وجود سازمان جنبش اجتماعی و موفقیت آن در جذب هوادار ارائه برنامه، ساختن زیرساخت‌های لازم برای جنبش و ایجاد همبستگی مشترک در بین اعضا می‌بیند. منظور این نظریه پردازان از سازمان جنبش اجتماعی، سازمانی پیچیده یا رسمی است که اهدافش را با اولویت‌های یک جنبش اجتماعی یگانه دانسته و می‌کوشد تا آنها را تحقق بخشد. موفقیت جنبش‌های اجتماعی در بسیج، علاوه بر شرط موجود بودن تنش‌های اجتماعی، بسته به شیوه‌ای است که از طریق آن جنبش‌ها قادرند تا نارضایتی‌ها را سامان داده، هزینه‌های کنش را کاهش داده، شبکه‌های از پیش موجود از این نوع بهره‌برده و در میان اعضا انگیزه ایجاد و به اجماع دست یابند. (Diani, 1999)

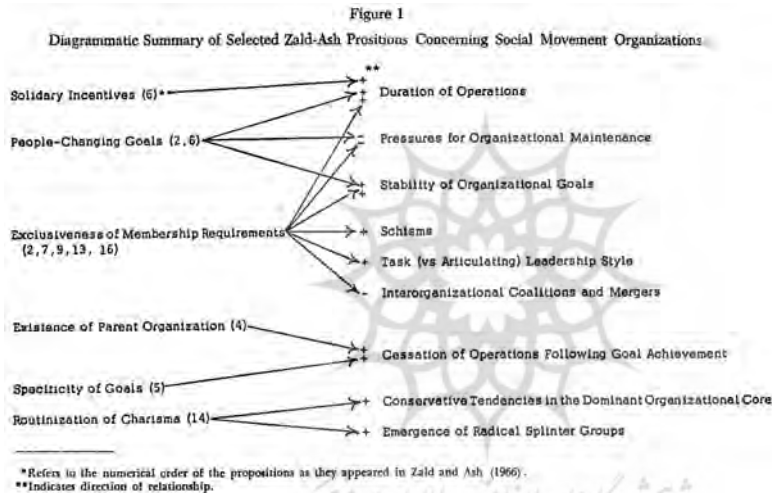
به اعتقاد مک‌کارتی و زالد، گسترش ناگهانی جنبش‌های اجتماعی در دهه ۱۹۷۰-۱۹۶۰ معلول گسترش سازمان‌های اجتماعی است که آن‌ها هم نتیجه گسترش منابع در اختیار جنبش‌های اجتماعی (شامل مشروعیت، پول، نیروی انسانی حامیان و امکانات) بوده است.

در جوامع غربی، حرفه‌ای شدن سازمان جنبش‌های اجتماعی از یک سو باعث بالا رفتن منابع حاصل از حمایت از جنبش از قبیل توسعه فرصت‌های حرفه‌ای شده و از سوی دیگر هزینه‌های مشارکت را تا حد پرداخت وجه اشتراکی سالانه پایین می‌آورد و از این طریق باعث حل شدن معمای سواری مجانی می‌شود.

همچنین مک‌کارتی و زالد، تحت تأثیر علوم اقتصاد و مدیریت، مفاهیمی از قبیل صنعت جنبش اجتماعی و بخش جنبش اجتماعی را وارد ادبیات حوزه جنبش‌های اجتماعی کردند. صنعت جنبش‌های اجتماعی در برگیرنده همه سازمان‌های جنبش اجتماعی است که هدفشان نیل به وسیع‌ترین اولویت‌های یک جنبش اجتماعی

است. بخش جنبش اجتماعی نیز همه صنایع جنبش اجتماعی موجود در یک جامعه را در بر می‌گیرد. (مشیرزاده، ۱۳۸۰: ۱۴۵)

بدین ترتیب سطح تحلیل و نقطه عزیمت زالد و مک کارتی سازمان جنبش اجتماعی است و نه فرد، آنها می‌کوشند تا موفقیت یا عدم موفقیت جنبش‌های اجتماعی را با عنایت به متغیرهای سازمانی آنها توجیه کنند. از یکسو فهم فعالیت جنبش‌های اجتماعی وابسته به بررسی چگونگی تجمع منابع است و از سوی دیگر، تجمع منابع مستلزم حداقلی از سازماندهی است، در نتیجه در بررسی یک جنبش اجتماعی باید به سازمان جنبش اجتماعی توجه ویژه‌ای کرد.



دیدگاه نظری او برشال در ارتباط جنبش‌های اجتماعی در قالب نظریه بسیج منابع قرار می‌گیرد. او از جمله کسانی است که نظریه بسیج منابع را برای آزمون گوناگونی جنبش‌های اجتماعی به کار گرفت. (David Romano, 2006:12)

او همچنین از جمله تنورسین‌هایی است که به پیوند پیچیده بین سازمان و نیز حوادث اجتماعی تأکید دارد. (Meyer David S., Nancy Whittier, & Belinda Robnett, 2002:111)

او برشال بحث خود را از تعارض اجتماعی شروع می‌کند. به عقیده او، نارضایتی و تعارض در هر جامعه‌ای وجود دارد اما در برخی جوامع با ساختارهای نهادی و اجتماعی خاص احتمال آن بیشتر و در بقیه کمتر است و در برخی به شکل مسالمت آمیز حل می‌شود و در برخی خیر. بسیج گروه‌های اجتماعی، یکی از

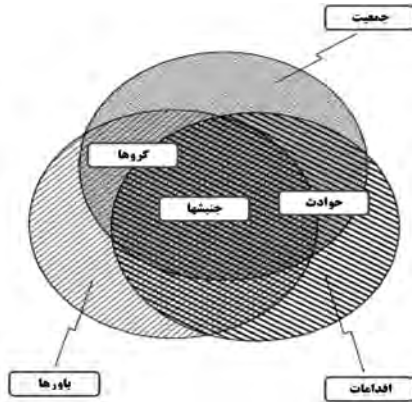
اشکال حل تعارضات اجتماعی است. اوبرشال سعی دارد با تکمیل چارچوب نظری اولسون چگونگی کنش جمعی را توضیح دهد. به نظر او، افزودن پاداش‌های فردی و گزینشی، رهبران و اعضاء گروه‌ها را تحریک می‌کند. همچنین، احتمال مجازات در صورت عدم مشارکت نیز به احتمال مشارکت کمک می‌کند (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۱۴۹). اوبرشال منابع را چنان وسیع تعریف می‌کند که منابع مادی نظیر شغل، پول و حق بهره‌مندی از کالا و خدمات و منابع غیرمادی نظیر اقتدار، تعهد، دوستی، مهارت و ... را در بر گیرد. منظور او از بسیج، فرآیندهایی است که به وسیله آنها گروه‌ها منابع را برای تعقیب اهداف شان مدیریت می‌کنند (نش، ۱۳۸۰: ۱۴۷). به نظر اوبرشال، جنبش اجتماعی در فرآیند تحول خود وقتی به نقطه‌ای برسد که سازمان‌های موجود، افکار عمومی و حکومت یک جنبش را سخنگوی مشروع بخشی از جمعیت بدانند و بپذیرند، جنبش نهادینه می‌شود و به یک گروه فشار تبدیل می‌گردد یا در درون یک حزب سیاسی جذب می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۱۵۰).

[چارلز تیلی] را بایستی از مهمترین نظریه پردازان نظریه بسیج منابع^۱ و اقدام جمعی به شمار آورد. دیدگاه بسیج منابع متمرکز به این موضوع است که جنبش‌های اجتماعی چگونه شکل می‌گیرند. چارلز تیلی اولین دیدگاه‌های نظری در ارتباط با بسیج منابع را فراهم آورده است. (David Romano, 2006:12) از دید تیلی تحلیل فرصت‌ها، نگرستن به فرصت‌ها به عنوان نکته آغازین عمل جمعی است. (Meyer & Whittier, 1985:111)

چارلز تیلی برای تشریح کار خود نقطه عزیمت نظری خود را مفهوم «کنش جمعی» قرار می‌دهد. او در کتاب «از بسیج تا انقلاب» به تشریح نظریه خود می‌پردازد. فرضیه اصلی وی، رابطه میان «بسیج» و «کنش جمعی» است. بدین معنی که هرچه میزان بسیج در یک جمعیت یا سازمان مطبوع یک مدعی بیشتر باشد، میزان کنش جمعی آن بیشتر می‌شود. تیلی در تشریح نظریه خود درباره کنش جمعی از دو الگوی تحلیلی (Tilly Charlse, 1978:9) استفاده می‌کند: (۱) الگوی سیاسی که شامل «جمعیت، حکومت، یک یا چند مدعی (اعم از اعضاء و چالشگران)، یک جامعه سیاسی، و یک یا چند ائتلاف» است؛ و (۲) الگوی بسیج، که شامل «سازمان و بسیج» است. البته، وی به عناصر دیگری نیز که در فرآیند بسیج تأثیرگذار هستند، مانند «تهدید/

۱. Collection action

فرصت، سرکوب/تسهیل، و قدرت» توجه دارد (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۵-۸۰).



از مفاهیم جدی مورد بررسی تیلی مفهوم «ساخت فرصت‌های سیاسی» است. وی بر این اساس، به توضیح چگونگی عملکرد جنبش‌ها در موقعیت‌های سیاسی مختلف می‌پردازد. به نظر تیلی جنبش‌های اجتماعی معمولاً به عنوان وسیله بسیج منابع گروهی هنگامی پدید می‌آیند که مردم هیچ گونه وسایل نهادینه شده‌ای برای بیان خواسته‌های خود ندارند؛ البته فضای عرصه عمومی نباید کاملاً بسته باشد چراکه نیروهای اجتماعی را به سمت شورش سوق می‌دهد و نه جنبش. دولت و قدرت دولتی در نظریه تیلی از اهمیتی ویژه برخوردار است؛ به اعتقاد وی دولت‌ها می‌توانند با اتخاذ سیاست‌های خاص، جنبش‌های اجتماعی را از مسیر حرکت خود منحرف کنند، آنها را سرکوب کنند یا حتی در خود جذب کنند.

نظریه ساختار فرصت سیاسی

علمای علوم اجتماعی و به ویژه تحلیل گران ساختاری، کانون توجه خود را به فرآیند سیاست و به قدرت دولت‌ها، احزاب سیاسی و گروه‌های سیاسی و اجتماعی و داخلی و نهادهای فرا ملی معطوف می‌دارند. از دید آنها، اقدام سیاسی کارساز از سوی معترضان به شرایط ساختاری مناسب بستگی دارد. به اعتقاد نظریه پردازان بسیج منابع، اگر فرصت‌های ساختاری بر محدودیت‌های ساختاری برتری داشته باشد، مردم در جنبش مخالفی که هدف آن دگرگونی وضعیت سیاسی موجود است شرکت خواهند کرد. بسیج سیاسی علاوه بر دسترسی به منابع (اطلاعات، پول، و مهارت‌های سازمانی-ارتباطی) به فرصت‌های مناسب برای استفاده از این منابع نیز نیاز دارد. فرصت ساختاری بیانگر روابط قدرت میان حکومت، گروه‌های اجتماعی و

نهادهای خارجی است. اگر چنان که میزان سرکوب مردم از سوی حکومت محدود باشد و گروه‌های اجتماعی بتوانند به همبستگی فوق‌العاده و رهایی از کنترل حکومت دست یابند و اگر نهادها و سازمان‌های خارجی با اعطای منابع به بخش مخالف به جای اعطای منابع به دولت مقدمات ضعف حکومت را فراهم آورند، اعتراض سیاسی این فرصت را خواهد داشت تا اقدام سیاسی علیه حکومت را سازماندهی کنند. در مقابل، محدودیت‌های ساختاری از مشارکت در سازمانی معترض جلوگیری می‌کند. سرکوب اعتراض کنندگان از سوی حکومت، سبب می‌شود تا فعالان بالقوه از مشارکت خودداری کنند. اختلاف‌های گروهی، پراکندگی جنبش مخالف را به همراه دارد. نهادهای مقتدر حکومتی، فعالیت گروه‌های ناراضی را تحت نظر دارند. جنبش‌های معترض، از شبکه سازمانی مستقل که بتواند پیروی اعضای جنبش را از موازین حاکم بر جنبش تضمین کند، بی‌بهره هستند. نهادهای خارجی از جمله ملت - کشورهای دیگر، سازمان‌های بین‌دولتی و سازمان‌های فراملی غیردولتی، تنها در بعضی از موارد، امکانات اندکی (اسلحه، کارشناس، منابع مالی) در اختیار جنبش‌های معترض قرار می‌دهند.

به باور این نظریه، ارزش‌های فرهنگی تعمیم یافته در هر جامعه، عامل فرمانبرداری و فرمانروایی سیاسی هستند. مقام‌های دولتی برای حفظ قدرت و ثبات نظام سیاسی، متن‌های مختلفی مانند ایدئولوژی‌ها، دکترین‌های مذهبی، اسطوره‌های ملی گرایانه و تصمیم‌های قانونی را به اعضای جامعه منتقل می‌کنند. هر نظام سیاسی هنگامی از مشروعیت فراگیر برخوردار می‌شود که نهادهای موجود در جامعه ارزش‌های غالب مورد نظر نظام را منتقل کنند و افراد نیز این ارزش‌ها را درک و قبول نمایند و اصولی را که مشروعیت ایجاد می‌کنند با رفتار خود تلفیق کنند. چالش‌های موفقیت آمیز علیه حکومت موجود زمانی به وقوع می‌پیوندد که رهبران مخالف، اصول مسلط مشروعیت سیاسی را دگرگون سازند. ارزش‌های فرهنگی از طریق وسایل ارتباط جمعی و سازمان‌های مختلف حکومتی و غیر حکومتی تبلیغ می‌شود. جنبش‌های اعتراضی با استفاده از این ابزارها و با پررنگ کردن برخی از این ارزش‌ها و تبلیغ آرمان‌ها و نارضایتی‌های مشترک، قدرت سیاسی جنبش را افزایش می‌دهند و به ویژه فرصت‌های بیشتری برای قرارداد یک مشکل اساسی در دستور کار سیاسی به دست می‌دهند. گروه‌های فرمانبردار با پذیرش برداشت‌های جدید از واقعیت‌های سیاسی و

فرهنگی، متقاعد می‌شوند که می‌توانند از طریق اقدام جمعی سازمان یافته، وضعیت موجود را دگرگون کنند. اما علاوه بر این، آنچه در تصمیم‌گیری افراد جهت شرکت در یک جنبش اعتراضی ایجاد انگیزه می‌کند، امکان دستیابی به هدف جنبش است. در توضیح این که چرا یک جنبش تاکتیک خاصی را برای دستیابی به اهداف خود اتخاذ می‌کند و یا این که چرا دست به تغییر تاکتیک می‌زند باید به تأثیرات متقابل ساختارهای سیاسی اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی و همچنین ارتباط و تأثیر متقابل این دو با رفتارهای فردی بپردازیم.

ساختارهای سیاسی اجتماعی تأثیرات متقابلی را بر ارزش‌های فرهنگی و رفتارهای فردی می‌گذارند. رهبران سیاسی به ساختارهای ملموس (وسایل ارتباط جمعی، گروه‌های کوچک و حتی نهادهای دولتی و ...) نیازمندند تا از طریق آن‌ها بتوانند ارزش‌ها و هنجارهای خود را انتقال دهند. ارزش‌ها به مشخص ساختن اهداف جنبش کمک می‌کنند. با توجه به اهداف جنبش، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و نیز ساختارهای سیاسی اجتماعی موجود، تاکتیک‌های خاص اتخاذ می‌شوند. هنگامی که بین هنجارهای فرهنگی پذیرفته شده در جامعه و عملکرد حکومت اصطکاک ایجاد شود، نظام سیاسی حاکم مشروعیت خود را از دست می‌دهد. شرایط ساختاری بر تعیین تاکتیک اعتراضی و رفتار کنش‌گران اجتماعی سیاسی تأثیر می‌گذارند. بحران‌های ساختاری که اغلب از جنگ‌ها، شکست‌های نظامی، رکود اقتصادی و تورم سرسام‌آور و نابرابری‌های اقتصادی رو به افزایش ناشی می‌شوند، تعادل بین تقاضا از دولت حاکم و منابع آن برای پاسخگویی به این تقاضاها را تحت تأثیر قرار می‌دهند و دولت نمی‌تواند سیاست‌هایی را اتخاذ کند که با ناهمگونی موجود بین عرضه و تقاضا هماهنگی داشته باشد. در این زمان ائتلاف جمعی که از دولت حاکم حمایت می‌کنند از بین می‌رود و نهادهای دولتی مخصوصاً ارتش و نیروهای امنیتی برای حفظ نظام سیاسی از اعمال سرکوبگرانه بهره می‌جویند. در این میان رهبران و کنش‌گران عرصه‌ی سیاسی با توجه به شرایط ساختاری موجود و نحوه‌ی برخورد ساختارهای موجود با اعتراض اقدام به اتخاذ تاکتیک‌های خاص می‌کنند تا به بهترین نحو ممکن بتوانند از شرایط استفاده کرده و به اهداف خود برسند. اما چنانچه ساختار حاکم بدون توجه به شیوه‌ی اعتراض و خواسته‌های جنبش اعتراضی به سرکوب شدید ادامه دهند و در صورتی که بحران موجود (مانند بحران‌های اقتصادی و یا ناکارآمدی

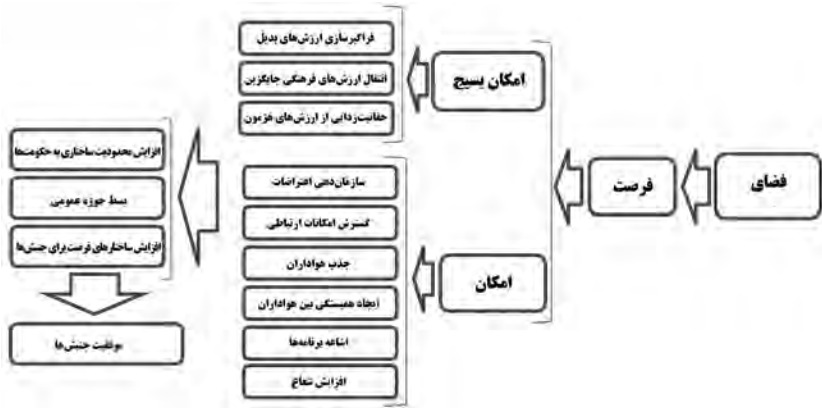
دولت) نیز ادامه یابد، دولت از کنترل امور اجرایی جامعه باز خواهد ماند و در نتیجه امکان توسل به اقدامات سرکوبگرانه برای مدت طولانی کاهش می‌یابد و هرچقدر سرکوب دولتی کمتر شود، میزان خشم مردم نیز کاهش می‌یابد اما از لحاظ سیاسی به این باور می‌رسند که می‌توانند اقتدار حاکم را به چالش بکشند.

همچنین مطابق نظریه مذکور، در نهادها یا جنبش‌های اعتراضی، افراد خاصی تصمیم‌گیری می‌کنند. مشارکت‌کنندگان نیز به عنوان بازیگران فعال صحنه‌ی سیاسی، فرهنگ و ساختارها را شکل می‌دهند. در صورتی که آنان مناصب حکومتی را اشغال کنند، باورهای فرهنگی را تفسیر، مؤسسات را اداره، خط مشی‌ها را تدوین و تصمیمات را اتخاذ می‌کنند. در صورتی که این افراد به عنوان معترضان خارج از نظام حاکم عمل کنند، خواستار تغییر خط مشی نظام می‌شوند و می‌کوشند تا برای هدفشان جلب حمایت کنند، ناراضیان را بسیج نمایند، فعالیت‌های اشخاصی را که از انزوا خارج شده‌اند، هماهنگ سازند و تلاش می‌کنند تا آن چنان بر مقاومت حاکمان غلبه کنند تا شاهد تبدیل شدن اولویت‌های سیاسی خودشان به برنامه‌های الزامی حکومت باشند. به این ترتیب نقش رهبران سیاسی در تعیین اولویت‌های یک جنبش پررنگ‌تر از بدنه‌ی جنبش است زیرا رهبران سیاسی ارزش‌های فرهنگی را تفسیر و تعبیر می‌کنند و ساختارهای سیاسی اجتماعی را به کار می‌گیرند تا این تفاسیر به عنوان ارزش‌های غالب در جامعه پذیرفته شوند و به کمک آن‌ها اولویت‌های سیاسی تعیین و به حکومت تحمیل گردند. به گفته‌ی افلاطون «رهبر سیاسی نقش ناخدای کشتی را بازی می‌کند.» از این رو وجود رهبری کارآمد به معنای دست‌یابی موفقیت‌آمیز به اهداف جمعی است. البته اعمال قدرت از سوی رهبران سیاسی در مواردی نیز منجر به وقوع پیامدهایی متفاوت از اهداف موردنظر جنبش شده است. در ضمن در جریان مبارزه‌ی یک جنبش، روشنفکران نیز به عنوان افراد شریک در حرکت اعتراضی از طریق ایجاد گفت‌وگوهای سیاسی غالب درباره‌ی ضرورت دگرگونی در سیاست‌ها و نیز تعیین اولویت‌های سیاسی نقش مهمی ایفا می‌کنند. به طور خلاصه در پاسخ به سومین پرسش مطرح شده در ابتدای بحث می‌توان چنین گفت که موفقیت سیاسی یک جنبش به رهبری کارآمد، مشارکت‌کنندگان متعهد به اهداف جنبش و وضعیت ساختاری‌ای که در آن قدرت اعتراض‌کنندگان، قدرت دولت حاکم را در هم بکوبد، بستگی دارد.

با توجه به نظریات مذکور، قضایای نظری قابل استخراج به صورت زیر خواهد بود:

- ارزش‌های فرهنگی در هر جامعه عامل فرمانبرداری و فرمانروایی سیاسی هستند.
- نظام‌های سیاسی برای حفظ خود و ثبات نظام متون مختلف ایدئولوژیکی، دکترین‌های مذهبی، اسطوره‌های ملی‌گرایانه و تصمیمات قانونی را به اعضای جامعه منتقل می‌کند.
- مشروعیت فراگیر نظام سیاسی به این ارتباط دارد که نهادهای موجود در جامعه ارزش‌های غالب مورد نظر نظام را منتقل کنند.
- مشروعیت فراگیر نظام سیاسی به این بستگی دارد که ارزش‌های انتقالی به مردم توسط شهروندان درک و مورد قبول قرار گیرد.
- شهروندان وقتی اصول مطرح شده توسط حکومت‌ها را با رفتارهای خود تلفیق می‌کنند، مشروعیت نظام‌ها را می‌پذیرند.
- مشروعیت نظام به کارکرد مناسب و سایل ارتباطی جمعی برای تبلیغ نظام سیاسی بستگی دارد.
- جنبش‌های اعتراضی که بتواند ارزش‌ها، آرمان‌ها و نارضایتی مشترک خود را با وسایل ارتباطی جمعی پررنگ کنند، فرصت بیشتری برای قرار دادن یک مشکل در دستور کار سیاسی پیدا می‌کنند.
- ارزش‌های فرهنگی انگیزه‌های اساسی مشارکت در اعتراضات سیاسی و یا انفعال سیاسی را فراهم می‌آورد.
- ارزش‌های فرهنگی ایجاد شده توسط جنبش‌ها ساختارهای فرصت مناسب برای مشارکت در جنبش و عدم مشارکت یا نظام و یا پایین آوردن مشارکت فراهم می‌آورد.
- میزان بسیج سیاسی به فرصت‌های ساختاری ایجاد شده از طریق تدابیر حقوقی، سیاسی و سازمانی در اختیار شهروندان بستگی دارد.
- هنگامی که بین هنجارهای فرهنگی پذیرفته شده در جامعه و عملکرد حکومت‌ها اصطکاک ایجاد شود، نظام سیاسی مشروعیت خود را از دست می‌دهد.
- تاکتیک اعتراضی جنبش‌های سیاسی و اجتماعی را شرایط ساختاری (تدابیر حقوقی مناسب، عوامل سیاسی و امکانات نهادی و سازمانی) تعیین می‌کند.

مدل تحلیلی این پژوهش



فرضیه این تحقیق چنین است که:

فضای سایبر منجر به فرصت‌های ساختاری جدیدی برای جنبش‌های اجتماعی شده است که به شبکه‌ای شدن مدنی و موفقیت جنبش‌ها کمک کرده است.

روش‌شناسی:

روش جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده اسنادی است. در این تحقیق، داده‌ها به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری و به شیوه‌ی جامعه‌شناختی محتوای درونی آنها تحلیل شده است.

مورد پژوهی:

کشورهای جنوب شرق آسیا

کشورهای آسیای جنوب شرقی به دلایل بالا بودن ضریب نفوذ اینترنت، چهره متفاوت تری از خود در فضای وب لاگ‌ها و سایبر نشان داده‌اند. در چند مورد مطالعه شده در کشورهایی چون کره، برمه، چین، اندونزی و مالزی مشاهده می‌شود که اینترنت و وب لاگ به نیروی مؤثری برای تغییرات سیاسی دموکراتیک تبدیل شده‌اند. از همه مهمتر اینترنت وسیله‌ی بسیار مهمی شده که از طریق آن، صدای مردم به گوش نظام‌های سیاسی رسانده می‌شود. نکته‌ی جالب در زمینه این کشورها این است که علی‌رغم توسعه اقتصادی صورت گرفته در این منطقه، عمده‌ی کشورهای جنوب شرق آسیا دارای سنت‌های طولانی از توتالیتریسم بوده‌اند و هنوز این سنت‌ها به طور کلی از جامعه و حیات سیاسی آنها رخت برنسته است. در این قسمت به قسمتی از این موارد اشاره می‌شود.

چین: اینترنت و فضای گفتمانی

در چین اینترنت و وب لاگ ها وسیله ی مهمی برای تغییرات سیاسی و اجتماعی شده‌اند. از این رو چین پیچیده ترین، پرهزینه ترین و دامنه دارترین سیستم فیلترینگ اینترنت جهان را ایجاد کرده است. از سال ۲۰۰۵ افزایش چشمگیر وب لاگ های سیاسی مخالف دولت، چالشی برای رژیم سیاسی حاضر چین شده است. اینترنت نشان داده است که چالش برای رژیم حاضر چین بوده است و این پدیده تازه ای برای چینی ها نیست. مباحث آن لاین کشاورزان چینی در اعتراض به اقدامات رژیم از این جمله هستند. از سال ۲۰۰۴ وب لاگ نویسان چینی در فضای اینترنتی نشان دادند که می توانند جایگزین ژورنالیسم بسته چین شوند. در این زمان فردی به نام وانگ جیان شو^۱ از اهالی شانگهای که با شرکت مایکرو سافت کار می کرد، وب لاگی را به زبان انگلیسی و چینی ایجاد کرد که به "ذیلی پست" معروف گردید که در آن حوادث شانگ های در طی شورش سیاسی سارس در سال ۲۰۰۳ تشریح شد. در سال ۲۰۰۴ وب لاگ نویسان چینی حکایات زیادی را به همراه تصویر و روایت شاهدان عینی از قتل عام مردم شانگهای ارائه کردند.

از پاییز ۲۰۰۵ فضای وب لاگ نویسی در چین چنان توسعه یافت که دولت کنترل مستقیم آنها را آغاز و مهلتی را تا ۳۰ ژوئن ۲۰۰۵ برای ثبت هویت و دریافت فرم های ثبت ارائه کرد و در همان سال به عنوان قسمتی از برنامه ی کنترل فضای وب لاگ ها، حکومت اقداماتی را برای کنترل وب لاگ ها آغاز کرد و مقرر شد وب لاگ ها از ارسال مطلب ناقض اصول مصرح قانون اساسی یا مطالبی که تهدیدی برای امنیت ملی، افشای اسرار دولت، اقدام علیه نظام و واژگونی رژیم و اقداماتی که تهدیدی علیه همگرایی و وحدت ملی بود، خودداری کنند.

از سوی دیگر وب لاگ ها از انعکاس، از پخش اخبار راهپیمایی ها، تظاهرات و تجمعات که نظم عمومی را مغشوش می کردند و یا از انعکاس فعالیت هایی سازمان های مدنی غیر قانونی و مطالب ممنوعه منع شدند.

البته نکته ای که در ارتباط با سیاست سانسور و انسداد سایت های اینترنتی و وب لاگ های چینی وجود دارد این است که افشای موضوع همکاری مایکروسافت، یاهو و گوگل از طرف مجلس نمایندگان ایالات متحده و سازمان عفو بین الملل با

دولت چین در زمینه انسداد سایت‌های اینترنتی و نیز کمک این شرکت‌ها به دولت چین در توقیف بعضی از فعالان سیاسی سایبر، رسوایی بزرگی برای آمریکایی‌ها و شرکتی‌های سرمایه‌داری بوده است. اتهام این شرکت‌ها تسهیل و کمک به دولت چین در اعمال سانسور است. در این زمینه این شرکت‌ها اطلاعات شخصی کاربران چینی را در اختیار دولت چین قرار داده و بر اساس آن دو وب‌لاگ نویس دستگیر شدند. از سوی دیگر کمک‌های مایکروسافت منجر به تعطیلی یک وب‌سایت بر اساس درخواست دولت چین شد. گوگل نیز ماشین سانسور جستجوی بین‌المللی را در اختیار چین قرار داده است. اتهام یاهو در چین، کمک به مقامات چین در سرکوب مخالفان است. (Undermine freedom of expression in china. www.amnesty.org.uk 2006:5-7)

به هر صورت در حوادث متعدد وب‌لاگ‌نویسان چینی در فضای سایبر نشان داده‌اند که اینترنت وسیله‌ی بسیار مهمی برای نقد رژیم چین و ایجاد جامعه چند صدایی و جنبش‌های اجتماعی در این کشور است. از دید [ربکا مک‌کینون]^۱ وب‌لاگ‌نویسی در اینترنت تأثیر تدریجی را در نظام‌ها در برداشته است. او معتقد است وب‌لاگ‌ها سهم مهمی را در ایجاد فضای گفتمانی مستقل، روابط متقابل و همکاری ایجاد کرده‌اند. از دید او در شرایط جدید، مسافت‌های فیزیکی، دیگر مانعی برای افراد دارای وجوه مشترک نیست. از دید او، همه‌ی این فاکتورها، منجر به تغییرات بزرگی در چین خواهد شد. از سوی دیگر نتایج پیمایش انجام شده توسط مرکز مطالعات علوم اجتماعی چین در سال ۲۰۰۵ در مورد تأثیرات اینترنت در چین نشان داده است که:

- ۱- ۶۲/۴ درصد از پاسخ‌دهندگان موافق این موضوع هستند که از طریق اینترنت به اطلاعات بهتری در زمینه سیاست دسترسی پیدا نموده‌اند.
- ۲- ۶۰/۴ درصد اعلام داشته‌اند مقامات سیاسی ارشد چین می‌توانند از طریق اینترنت به آگاهی بیشتری در مورد آرای عمومی دسترسی پیدا کنند.
- ۳- ۵۵/۳ درصد اعلام کرده‌اند حکومت از طریق اینترنت بهتر می‌تواند به مردم کمک نماید.

۴- ۵۴/۲ درصد اعلام کرده‌اند که از طریق اینترنت مردم فرصت بیشتری را برای

۱. Rebecca Mackinnon

نقد سیاسی سیاست‌های حکومتی پیدا می‌کنند.

۵- ۴۱/۱ درصد از پاسخ‌گویان اعلام کرده‌اند که مردم از طریق بهره‌گیری از اینترنت قدرت سیاسی بیشتری پیدا کرده‌اند. (Mackinnon Rebecca, 2007: 44)

کره جنوبی: تریبون جدید سیاسی

در کشور کره جنوبی، برای سال‌های متمادی و به ویژه پنجاه سال اخیر، دولت مانع اساسی بزرگی برای آزادی رسانه‌های دسته‌جمعی بوده است. در این مدت انحصار انتشار اطلاعات و اخبار در دست چند رسانه و کانال خاص تلویزیونی بوده است. اما تحولات فناورانه باعث متنوع شدن کانال‌های انتشار اخبار و اطلاع‌رسانی میان مردم کره شده است. از سال ۱۹۹۵ تعداد ۳۰ کانال تلویزیونی و از طریق ۲۷ برنامه منطقه‌ای و ۵۴ سیستم اپراتور محلی در اختیار مردم قرار گرفته است. از سال ۲۰۰۲ تلویزیون ماهواره ای اسکای لایف^۱ نیز به عنوان کانالی برای دسترسی مردم به اخبار و اطلاعات جدید راه اندازی شد، اقدام به پخش تعداد ۱۲۰ کانال تلویزیونی جدید به مردم کره کرده است.

با ظهور و توسعه اینترنت در کره، دسترسی مردم کره به اطلاعات و آنچه جستجو می‌کردند، افزایش یافته است. در سال ۱۹۹۸ تقریباً ۱۰/۳ درصد مردم به این شبکه دسترسی داشتند و این رقم در سال ۲۰۰۲ به ۵۶ درصد رسید و انتظار می‌رود دسترسی به اطلاعات به ضرر رادیو و تلویزیون و مطبوعات افزایش یابد.

از دوره ریاست جمهوری سینگمان ره تا رژیم نظامی پارک چونگ هی و چون دو هوان رسانه‌های کره جنوبی به دلایل نقش‌های نخبگان سیاسی و حکومتی کره جنوبی با فقدان آزادی و بحران و عدم اعتماد عمومی مردم مواجه بوده‌اند. در تمامی این سال‌ها، سانسور و خود سانسوری اختیاری جزء جدا نشدنی فضای رسانه‌ای این کشور بوده است. در این دوره اکثر رسانه‌هایی که نقد دولت را در دستور کار خود قرار داده بودند، تحت تعقیب قرار می‌گرفتند. در این دوره‌ها رژیم کره جنوبی از استراتژی هویج و چماق برای کنترل مطبوعات استفاده می‌کرده است و این باعث شده بود رسانه‌ها در این کشور به خادمان داوطلب^۲ تبدیل گردند. از سال ۱۹۸۷ و با اصلاحات دموکراتیک روه^۳ مطبوعات و رسانه‌ها، آزادی بی‌سابقه‌ای را تجربه کردند و نفوذ حکومت در رسانه کاهش یافت.

۱. Sklylife

۲. Voluntary servant

۳. Roh

از دید لی^۱ (۱۹۹۹) هنوز هم مسأله‌ی استقلال و آزادی رسانه‌ها در کره جنوبی زیر سؤال است. این موضوع به دلیل فرهنگ سلسله‌مراتبی، اتاق‌های خبری و تهدید نخبگان سیاسی و حکومتی است. اما براساس پیمایش‌های سال ۲۰۰۰-۱۹۹۹ و ۲۰۰۱ از طرف خانه‌ی آزادی^۲ در ایالات متحده، کره جنوبی امروز آزادترین کشور در میان ۱۸۰ کشور است. این موضوع به دلیل آن است که در این کشور، ژورنالیست‌ها از استقلال و خودمختاری لازم برای انتخاب و نوشتن آراء خودشان برخوردار شده‌اند. مهمترین مشکل رسانه‌های کلاسیک در این کشور انتصاب مستقیم مقامات عالی‌سازمان‌ها و رسانه‌ها از طرف دولت کره جنوبی بوده است. از دید ژورنالیست‌های کره جنوبی، مهمترین فاکتور محدود کننده آزادی مطبوعات و اطلاع‌رسانی در کره شامل مواردی چون مقررات و قوانین مطبوعاتی، نفوذهای مقامات حکومتی، فشار آگهی‌ها و فشار سازمان‌های رسانه‌ای بوده است. با توسعه اینترنت، این محدودیت‌ها به اینترنت نیز کشیده شده است. با طرح قانون اینترنت که در سال ۲۰۰۲ به اجراء درآمد، مقررات استفاده از اینترنت سخت‌تر شده است. این مقررات عموماً در دو جهت بوده است که اولی ممانعت از دسترسی جوانان و نوجوانان به تصاویر پورنوگرافی و مستهجن در اینترنت و دوم تعقیب افرادی بوده است که با ارسال پیام‌های انتقادی، رئیس‌جمهوری و وزراء را زیر سؤال برده‌اند.

امروز در نتیجه‌ی تحولات تکنولوژیکی، عملیات چند رسانه‌ای متکثر از طریق اینترنت و کانال‌های تلویزیونی کابلی متنوع جای رویکرد سنتی گذشته را گرفته است. هر روز در کره بر تعداد رسانه‌های که اطلاعاتی را در اختیار مردم قرار می‌دهند افزوده شده است. بدین صورت که در حال حاضر مطبوعات و کانال‌های تلویزیونی خبری لازم و کافی در دسترس مردم وجود دارد. گوناگون شدن رسانه‌ها هم از لحاظ شکل و حجم باعث تغییر شیوه‌ی زندگی و باورهای مردم در مورد رسانه‌ها شده است. برای مثال اعتماد عمومی به روزنامه‌ها جای خود را به تلویزیون و رسانه‌های آن لاین داده است. مولتی‌مدیا و محیط چندکانالی در دسترس بیشتر مردم کره جنوبی قرار گرفته و این چالشی بر روزنامه‌ها و صنایع پخش برنامه‌های تلویزیون بوده است. با رشد شدید اینترنت، امروز ۴۵ میلیون نفر به اینترنت دسترسی پیدا کرده‌اند و با این حجم دسترسی‌ها این کشور به کشور سیم‌کشی شده تبدیل شده است.

۱. Lee

۲. Freedom house

مطابق نظر [هاکتن]^۱ (۱۹۹۹) واقعیت عصر نوین اینترنت این است که مقامات حکومتی کره ناتوان از کنترل آن دسته از افرادی شده‌اند که جستجو کننده اطلاعات‌اند و می‌توانند اخبار و اطلاعات را از منابع متعدد و متنوع انتخاب و به رژیم اطلاعاتی خود بیافزایند. (Kim Hun Shik, 2003:360-345)

برای سال‌های متمادی تولید و توزیع اخبار و اطلاعات در اختیار دولت‌ها بوده و مردم برای انتشارات اخبار علیه حکومت‌ها تحت فشارهایی همچون دستگیری روزنامه‌نگاران بوده‌اند. از سوی دیگر کانال‌های تلویزیونی به دلیل نفوذ موفق سیاسیون و حکومت، فاقد هیأت مستقل اداری بوده‌اند، به عبارتی دیگر تلویزیون کره جنوبی به عنوان بازیگر مهم بسیج مردم بوده است.

در شرایط جدید و با عمومی شدن دسترسی‌ها به اینترنت، این فناوری تریبون مهمی برای مباحث سیاسی میان نسل‌های جدید و جوان و آپارات (دستگاه) مهمی برای مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری شده است. در سال‌های اخیر، قدرت اینترنت در انتخابات دسامبر ۲۰۰۲ به نمایش گذارده شد و در این انتخابات، کاندیداها از صفحات وب برای مبارزه و ارسال پیام‌ها استفاده کردند و از طریق اتاق‌های گفتگوی اینترنتی، پیامشان را به طرفدارانشان رساندند. برای مثال ۷ میلیون نفر حامی آن لاین، به تبلیغ کاندیداهاى مورد نظرشان پرداختند. جوانان رأی دهنده بین سنین بیست و سی مشهور به "نسل ۲۰۳۰"^۲ نیروی محرک پیروزی "روه" شدند و جوانان رأی دهنده را برای دادن رأی به ایشان در روز انتخابات بسیج کردند. اینترنت همچنین وسیله‌ای مهم برای بسیج در ژوئن سال ۲۰۰۲ بود، زمانی که زره‌پوش آمریکایی دو دختر مدرسه‌ای را به زیر گرفت و کشت. در این زمان کانال‌های تلویزیونی و مطبوعات هیچ اطلاعاتی را از حادثه پخش نکردند، ولی کانال‌های چت و گفتگوی اینترنتی و گروه‌های بحث در اینترنت، نقش کلیدی و تعیین کننده‌ای را در گسترش اخبار مربوط به حادثه و بسیج جوانان کره برای نقد حضور آمریکایی‌ها در کره بازی کردند و این تظاهرات زمینه‌ای به درخواست تجدید موافقتنامه قانون استقرار نیروها آمریکایی در کره جنوبی شد. (Kim, ibid :362)

از سوی دیگر نکته‌ی قابل توجه، نقش اینترنت و تکنولوژی جدید از جمله تلفن موبایل، برنامه‌های تلویزیونی موبایل و اینترنت برای ایجاد ارتباط متقابل برای بیان

۱. Hackten
۲. Generation 2030

مسائل اجتماعی است و مهمتر از آن استفاده‌ی گسترده‌ی جوامع مدنی، سازمان‌های مدنی اجتماعی، انجمن‌ها و سازمان‌های غیر حکومتی و بشر دوستانه^۱ از این ابزار برای آموزش شهروندان و ایجاد زمینه مباحث عمومی درباره‌ی امور مشترک و حمایت از برنامه‌های زیست محیطی، حقوق بشر، لیبرالیسم سازی و راهبری دموکراتیک است. در این خصوص نشان داده شده، اینترنت و وب لاگ‌ها قدرت زیادی را برای افزایش توان سازمان‌های مدنی برای توسعه حقوق بشر داشته‌اند.

برمه: اینترنت و سایبر دیپلماسی

یکی از موارد جالب و قابل ذکر در ارتباط با تأثیر و نقش اینترنت را می‌توان در زمینه‌ی فعالیت دیاسپورای برمه در زمینه توسعه دموکراسی در برمه نشان داد. در چند حادثه بسیار مهم، مخالفان و فعالان سایبر ساکن در برمه و سایر نقاط دنیا نشان دادند که چگونه اینترنت می‌تواند هزینه‌ی سرکوب مخالفان را به شدت بالا ببرد. مورد برمه نشان دهنده تأثیر در حال افزایش تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات برای ایجاد موازنه قدرت میان مردم و مقامات حکومتی و میان ساختار قدرت ملی و بین‌المللی است. از سوی دیگر اینترنت در مورد برمه نشان داد که چگونه بایستی به دیپلماسی سایبر در قرن بیست و یک توجه شود.

اینترنت در مورد برمه نشان داد که چگونه فعالان سیاسی برمه‌ای و یا سایر کشورهای آسیایی در سراسر اروپا، ایالات متحده‌ی آمریکا و استرالیا و سایر نقاط دنیا به همدیگر متصل می‌شوند. در مورد برمه دیده شد که اینترنت می‌تواند به عنوان وسیله‌ی بسیار مهمی برای فعالان سیاسی و فعالان جامعه مدنی برای تصویب مجموعه قوانین و تحریم‌ها علیه رفتاری سوء سیاسی دیکتاتوری‌ها تبدیل گردد. در برمه مخالفان نشان دادند که می‌توان از اینترنت به عنوان ابزار قوی برای حمایت سازمانی برای اقدام جمعی در مورد مسائل بین‌المللی استفاده کرد.

برای مدت‌های طولانی، برمه تحت سلطه‌ی جونتای نظامی قرار داشت. در کشور برمه ساختار تکنولوژیک شدیداً توسعه نیافته است و این موضوع سبب شده که مخالفان سیاسی برمه‌ای به جای برمه در دیگر کشورهای جهان، اروپا و آمریکا به فعالیت خود ادامه دهند. اینترنت در برمه، جایگزین برحق رسانه‌های کلاسیک بوده است.

مشکل اساسی اینترنت در برمه این بود که اینترنت دارای محدودیت ذاتی برای

۱. philanthropic

انجام فعالیت های توده ای است و به عبارتی استفاده از اینترنت محدود به کسانی است که به آن دسترسی دارند و از سوی دیگر باز بودن آن امکان دستکاری در اطلاعات آن را فراهم می آورد. اما اینترنت و انقلاب فناوری اطلاعات نشان داد که می تواند قدرت جدیدی را در اختیار فعالان سیاسی و فعالان غیر دولتی برای به چالش کشاندن دولت ها در سطح داخلی و بین المللی فراهم آورد.

در چند سال اخیر شواهد زیاد وجود دارد که نشان می دهد که چگونه اطلاعات می تواند نقش مهمی را در کمک به فعالیت های توده ای و چالش دیکتاتوری ها فراهم آورد. برای مثال، همانند برمه، انقلاب های ۱۹۸۹ در سراسر اروپای شرقی از طریق پخش ویدئو کاست ها، مقالات و رسانه های خارجی ممکن شد. حال با توجه به شرایط جدید ایجاد شده ناشی از انقلاب انفورماتیکی، دیکتاتورها در کشورهایی مانند برمه با معما و چالش بزرگی مواجه شده اند. در این خصوص برمه نمونه و مثال جالبی است. در اوایل دهه ۱۹۹۰ تعدادی از تبعیدیان برمه ای در مخالفت بر علیه رژیم رانگون فعالیت هایی را در سطح اینترنت آغاز کردند و از طریق اینترنت اطلاعات و گزارشاتی را در باره برمه از طریق اتاق های گفتگو و یوزنت ها فراهم آوردند. در این زمینه "برمه نت" اولین فعالیت اینترنتی مخالفان دولت برمه بود. با آغاز فعالیت سیاسی برمه نت به زودی معلوم شد که اینترنت می تواند برای ارائه اطلاعاتی در باب نقض حقوق بشر و توسعه دموکراسی در برمه استفاده شود. اینترنت، این امکان و شانس را به مخالفان داخلی و تبعیدیان و گروه های ذی نفوذ و برمه ای مقیم خارج و دیاسپورایی برمه ای داد که از طریق آن به همدیگر متصل شوند. اینترنت این امکان را برای فعالان سیاسی برمه ای فراهم کرد که ضمن برقراری تماس با همدیگر بتوانند گروه های پراکنده از لحاظ جغرافیایی را سازمان دهند. این موضوع توانایی خود را در زمینه تصویب قانون خرید گزینشی ماساچوست و بایکوت پپسی نشان داد. برمه نت از طریق سرور با انستیتوهای جهانی مرتبط شد و از طریق شبکه ای کامپیوتریزه، امکان مناسبی را برای فعالیت های حقوق بشری و صلح آمیز فراهم آورد. در اولین سال های تأسیس برمه نت عده ی زیادی از برمه ای ها برای دریافت اطلاعات از طریق آن آبونه شدند، چنان که در سال ۱۹۹۷ تعداد ۷۵۰ نفر آبونمان این سایت شده بودند. در سپتامبر سال ۱۹۹۶ دولت در واکنش به فعالیت های اینترنتی مخالفان سیاسی، قانون توسعه علوم

کامپیوتری را تصویب و بر اساس آن افراد مجبور به ثبت نام شدند چرا که در غیر این صورت به جریمه نقدی ۵۰۰۰ دلاری یا حبس بین ۷ تا ۱۵ سال محکوم می‌شدند. (Danitz Tiffany and Strobel P.Warren,2000:129-136)

علی‌رغم این موضوع، گروه‌های تبعیدی و فعالان سیاسی فعال در مرز بین برمه، تایلند و هند به فعالیت‌های ارسال خبر از طریق ویدئو کاست، ایمیل و دیسک‌های کامپیوتری ادامه دادند. از لحاظ هزینه‌ای، سرعت و استفاده‌ی آسان اینترنت نشان داد که در مقایسه با تکنولوژی‌های دیگر از امتیاز بسیار بالایی برخوردار است. از سال ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵، جبهه‌ی جدیدی در برمه باهدف مبارزه برای تغییر سیاسی در برمه آغاز شد و دانشجویان برمه‌ای در آمریکا سازماندهی مبارزه آزاد برمه را آغاز کردند که هدف اصلی آن ترغیب اروپا و آمریکا برای تعلیق تجارت با برمه بود. اینترنت در این دوره هم فرصتی برای ارتباط میان گروه‌ها و فرصتی برای سازماندهی مخالفان بود. در این دوره تکنولوژی‌های جدیدی در بستر اینترنت از جمله وبلاگ‌ها در دسترس بود و این تکنولوژی، انتقال صدا، تصویر و گرافیک را بین گروه‌ها تسهیل می‌کرد. از طریق این تکنولوژی‌ها، فعالان سیاسی برمه‌ای قادر شدند به هر تصویر و صدای دسترسی یابند.

در این دوره، واکنش دولت ایجاد "سایت میانمار کام" بود که به کمک شرکت آمریکایی ایجاد شد و در آن قابلیت‌های توریستی، تجاری و سرمایه‌گذاری برمه به نمایش گذارده شد. از سال ۱۹۹۷ دولت برمه تلاش‌های تهاجمی وسیعی را در زمینه اینترنت آغاز کرد. از ۱۹۹۷ رژیم برمه لیست‌ای میل‌های خود را برای رقابت با برمه نت ارائه کرد.

از مهمترین موضوعات قابل ذکر در زمینه برمه و بهره‌مندی فعالان سیاسی برمه‌ای از اینترنت به این موضوع برمی‌گردد که در ۲۵ ژوئن سال ۱۹۹۶ گروه‌هایی از فعالان سیاسی سایبر و تبعیدیان برمه‌ای تلاش‌هایی را برای ترغیب فرماندار ماساچوست یعنی ویلیام ویلد برای تصویب قانونی برای تحریم تجارتی برمه آغاز کردند. در نتیجه‌ی فعالیت‌های اینترنتی مخالفان برمه، لایحه تحریم تجارتی تحت عنوان "قانون خرید گزینشی"^۲ به تصویب رسید و متعاقب آن شرکت‌های آمریکایی زیادی مجبور به ترک برمه شدند. در نتیجه اجرایی شدن این تحریم، شرکت‌ها و کمپانی‌های بزرگی

۱. www.myanmar.com

۲. The Massachusetts selective purchasing legislation

چون پیسی و دیسنی مجبور شدند دفاترشان را از برمه برچینند. در این حوادث، اینترنت و به ویژه، نامه‌های الکترونیکی نقش گسترده‌ای را در مبارزه برای تدوین و تصویب تحریم‌ها علیه برمه بازی کردند. در جریان تصویب این قانون، فعالان سیاسی برمه‌ایی در اینترنت سازماندهی شدند و از شبکه برای مبارزه خودشان استفاده کردند. اینترنت عملاً نشان داد که می‌تواند گروه‌های پراکنده از لحاظ جغرافیایی را سازماندهی کند. این موضوع به فعالان سیاسی این امکان را می‌داد که علیرغم دوری مسافت هایشان به همدیگر متصل شوند. اولین چیزی که اینترنت فراهم کرد، این بود که اینترنت برمه‌ای‌ها را به همدیگر متصل ساخت و از همه مهمتر آن چیزی که فعالان سیاسی از قبل به دنبال آن بودند، در اختیار فعالان سیاسی قرار گرفت و این موضوع، شبکه سازی و سازماندهی به دور از دید عمومی بود. در جریان تصویب این قانون اینترنت نشان داد که می‌تواند افراد را قادر کند که از خانه و اداره خود با هر کسی در ارتباط باشند. تلفن و نامه‌های الکترونیکی ارسالی به سناتورها و نمایندگان آمریکایی نشان می‌داد که اینترنت می‌تواند هر مانعی سر راه پیرویشان را از بین ببرد. (حتی موانع بروکراتیک ارتباط با سناتوری و نمایندگان و مسئولان سیاسی را) از همه مهمتر، اینترنت در موضوع برمه نشان داد که اطلاعات، عنصر کلیدی برای فعالان سیاسی در پیشبرد مبارزاتشان بود. اخبار اینترنتی این امکان را برای فعالان سیاسی برمه‌ای فراهم ساخت که با همکاران و همفکران دیگرشان ارتباط و اطلاعات بیشتری را در زمینه فعالیتشان رد و بدل کنند (Danitz and Strobel, Ibid: 137-145).

در موضوع بایکوت پیسی هم، اینترنت و شبکه‌ی اینترنت کمک زیادی به بسیج عمومی کرد. در جریان این موضوع کامپیوترها در مجتمع‌های دانشگاهی، گروه‌های دانشجویی را به هم متصل کرد و از سوی دیگر شبکه‌ی اینترنت، شرایطی را فراهم آورد که دنیا به روی دانشجویان باز گردد. از این رو، اینترنت نوع جدیدی از نظارت آن لاین در مورد حقوق بشر را برای توده‌های گسترده از مردم برای مراقبت بر اعمال دولت‌ها فراهم آورد. سیمون بیلی^۱ فعال سایبر در این زمینه گفته است که:

”نقش کامپیوتر بدین صورت بوده که دانشجویان و گروه‌های دانشجویی را از طریق برخط متحد نموده و دانشجویان قادر شده‌اند در اینترنت با فعالان و مبارزان دیگر و طرفداران جریان ملاقات نمایند.“

۱. Siomon Billenness

اینترنت در جنبش دانشجویان برمه ای نشان داد که امکان سازماندهی الکترونیکی را برای اتحاد دانشجویان و الحاق آنها به جنبش فراهم آورده است. مبارزه برای ممانعت از سرمایه گذاری آمریکایی ها و دیگر کشورهای خارجی در برمه نمونه ای از دستاوردهای جنبش اینترنتی دانشجویان برمه ای بوده است. یکی از موفق ترین مورد های موفق جنبش سایبری در برمه موضوع بایکوت شرکت پیسی است.

در زمینه ی دموکراسی در برمه، بعد از موضوع ماساچوست و پیروزی دانشجویان در تحریم دولت برمه، شرکت پیسی به عنوان هدف دانشجویان و فعالان سیاسی برمه ای انتخاب شد. فعالان برمه ای ابتدا کار خود را در سطح کوچک و در مجتمع های دانشگاهی با آموزش دوستان درباره عملیات شرکت پیسی در برمه و همکاری آن با جونتای نظامی برمه آغاز کردند. آنها می توانستند قطعنامه های دانشجویی را به تصویب برسانند و دانشجویان را از استفاده از سوبسیدهای شرکت پیسی و قراردادهای خدمات غذایی دانشگاه ها وارد منع کنند. از سوی دیگر آنها می توانستند در شهر و سایر سایت های دانشگاهی و با اعضای شورای شهر برای قانونگذاری در این زمینه ملاقات های تشکیل دهند.

در این زمینه لازم به توضیح است از سال ۱۹۹۰ شرکت پیسی از طریق مشارکت با شرکت برمه ای به نام میانمار گولدن استار وارد برمه شد. از دید برمه ای ها و فعالان سیاسی برمه، شرکت پیسی به عنوان شرکتی حامی رژیم نظامی برمه شناخته شده بود. در نهایت با تلاش های دانشجویان و از طریق مجموعه ای اقدامات انجام شده از طریق وبلاگ ها و اینترنت، قطعنامه ای در برکلی کالیفرنیا به تصویب رسید و شرکت پیسی مجبور به خروج از برمه شد. در جریان این موضوع بیلینس فعال سایبر، مبارزه ای را در سطح محلی آغاز کرد. دفتر او توانست گزارشاتی را از طریق اینترنت برای بایکوت پیسی در سراسر کشور ارسال کند. آنها از سوی دیگر توانستند نظر جایزه داران نوبل را برای فراخوان بایکوت بین المللی محصولات صادره شده از برمه به خود جلب کنند.

داگلاس استیل در این باره گفته که در آن زمان تعداد کمی از دولت ها و نسبت کمی از مردم می دانستند که برمه در کجاست، اما اینترنت توانست افراد زیادی را در مورد برمه مطلع کند. در این مبارزه، دانشجویان در هاروارد وارد شبکه اینترنت

برمه شدند و مانع انعقاد قرارداد بین شرکت پیسی و خدمات غذایی دانشگاه هاروارد شدند. آنها همچنین در هیأت دانشجویی نفوذ نموده و قطعنامه‌ای را تصویب کردند که در زمینه ی سرمایه گذاری دانشگاه در برمه تأثیرگذار بود.

نکته جالب این که در آن دوره دانشجوی برمه‌ای کمی در هاروارد تحصیل می‌کردند. در این میان یک دانشجوی بومی برمه‌ای و تعداد دانشجویی که سفری به برمه داشتند و از این کشور به عنوان اتباع خارجی دیدن کرده بودند وجود داشتند. آنها میزی را برای عمل سیاسی منصفانه در ترم پاییزی ایجاد کردند. در این زمینه، آنها مسابقه‌ای کامپیوتری را برای دانشجویان در مورد جغرافیای برمه برگزار کردند و از طریق این مسابقه توانستند آدرس الکترونیکی ۴۰ تا ۵۰ دانشجو را به دست آورند. سپس آنها از طریق آدرس الکترونیکی، دانشجویان را تشویق کردند که در مبارزه نامه نویسی برای فعالیت‌های سیاسی وارد گردند. از این روی هاروارد اولین محل برای تصویب قطعنامه دانشجویی برای حمایت از دموکراسی و جنبش دموکراسی در برمه شد. متعاقباً، بسیاری از مجتمع‌های دیگر دانشگاهی نیز قطعنامه‌هایی را صادر کردند. در این زمینه دانشجویان با مدیران خدمات غذایی دانشگاه ملاقات‌هایی کرده و از طریق اینترنت با آنها در زمینه بایکوت موضوع به رایزنی و لابی پرداختند. آنها در این زمینه با مدیر خدمات غذایی و مدیر خرید دانشگاه تماس گرفتند و نهایتاً در اقدامات بعدی آنها را مجبور به بایکوت پیسی ساختند. در زمینه‌ی مبارزه با دیکتاتوری در برمه، اینترنت به دلایل زیادی مورد توجه دانشجویان قرار گرفت که این موارد شامل:

- دسترسی به دانشجویان از طریق اینترنت سهل تر بود.

- اطلاعات با سرعت زیادی قابل دسترس بود.

- شبکه، امکان هماهنگی بین المللی را برای جنبش فراهم آورده بود.

در ارزیابی مورد پژوهی انجام شده در برمه می توان نتیجه گرفت که در دو مورد ذکر شده در برمه فعالان دانشجویی و طرفداران دموکراسی در رویارویی اطلاعاتی علیه حکومت برمه وارد شدند. در این مبارزه هر دو طرف یعنی هم دولت و هم فعالان سیاسی، اطلاعاتی را در باره ی برمه فراهم آوردند و هر دو تلاش نمودند، همکاری های جامعه بین المللی را به خود جلب نمایند. اما طرفداران دموکراسی نشان دادند که می توانند به صورت فعالتری از اینترنت در ماساچوست و بایکوت پیسی استفاده کنند. آنها از اینترنت برای تماس با ژورنالیست ها و مطلع ساختن آنها

در باره اعمال و مسائل دیگر در برمه از جمله استثمار کارگران، اعتراضات دانشجویی و سرکوب دانشجویان استفاده کردند.

حکومت هم با ایجاد وب سایت های خود، تلاش های را برای ایجاد تصور خوب از حکومت در خارج انجام داد. اما رژیم برمه نتوانست از تکنولوژی به صورت بهتری بهره ببرد. طرف مقابل دولت، فعالان دموکراسی، کشورهای جهان و به ویژه سرمایه گذاران در برمه بودند و از این روی هر دو طرف تلاش کردند برتری اطلاعاتی را در این زمینه داشته باشند. فایده اینترنت در زمینه دیپلماسی بین المللی این بود که توانست بایکوت بین المللی را برای برمه فراهم آورد. از سوی دیگر اینترنت توانست تریبونی برای مباحث عمومی در سطح جهانی در باره ی برمه فراهم آورد و از این طریق فعالان سیاسی قادر شدند با استفاده از هواداری بین المللی، نظر جامعه بین المللی را در زمینه برمه به خود جلب کنند. در برمه اگر چه دانشجویان به صورت مستقیم و فیزیکی با دولت برمه رویاروی نبودند، ولی آنها از قدرت نرم به نحو مطلوبی استفاده کردند. در این دوره، تغذیه اطلاعاتی در درون کشور از طریق وسایلی نظیر صدای دموکراتیک برمه، ژورنال تحت عنوان "عصر جدید" و روزنامه های نوشته شده در بانکوک که از طریق پناهندگانی که در مناطق مرزی به درون کشور سفر می نمودند صورت می گرفت. رادیوی تازه تأسیس آسیای آزاد به زبان محلی در برمه پخش می شد و همچنین اطلاعات از طریق دیسک های کامپیوتری که اغلب فیلم ها و بازی های گرافیکی را شامل می شد، بدون سانسور و تعرفه های گمرگی وارد این کشور می شد. در برمه، اینترنت باعث ایجاد تریبونی برای صدای مخالفان و جایی برای برمه ای ها و جهانیان برای شنیدن اطلاعات جایگزین شد، چیزی که حکومت آنها را منتشر نمی کرد. بدین ترتیب فعالان سیاسی برمه ای موفق شدند که نهادهای دموکراتیکی را ایجاد کنند و نمونه ای مثال زدنی برای تمامی مخالفان در سایر کشورها شدند. (Danitz and Strobel, ibid:146-158)

اندونزی: اینترنت و بسیج جامعه مدنی

حکومت اندونزی در سال های اخیر مانع انتشار اخبار از سایت های مخالف دولت سوهارتو بوده است. اما اینترنت چشم انداز جایگزینی در مقابل گفتمان مسلط فراهم آورد و سازمان ها غیر دولتی و شبکه های اینترنتی، ارتباط بین شهروندان و بین سازمان های غیر دولتی را فراهم آوردند. از طریق اینترنت شهروندان در

زمینه‌های متعددی مطلع گردیده‌اند. برای نمونه در بهار سال ۱۹۹۸ هزاران دانشجوی، تظاهرات صلح‌آمیزی را از طریق ارتباطات اینترنت سازمان دادند. از طریق اینترنت، دانشجویان، سازمان‌های غیرحکومتی و جامعه مدنی و مردم را در جاکارتا بسیج کرده و مخالفت‌های عمومی را به حرکت درآورده و نهایتاً سوهارتو را مجبور به استعفاء کردند. این اقدامات در نهایت منجر به تصمیم دولت برای کاهش محدودیت‌های اعمالی به مطبوعات و منجر به تقویت و حمایت جامعه مدنی برای اصلاحات در سراسر اندونزی شد.

فیلیپین: اینترنت و اقدام جمعی

در فیلیپین فعالان سیاسی از تلفن با ظرفیت بالای پیام‌رسانی برای بسیج اعتراضات و ایجاد اعتراض‌آنی^۱ علیه استرادا رئیس‌جمهور و افشای فساد و رشوه استفاده کرده‌اند. در این کشور تکنولوژی اطلاعات نشان داده که وسیله‌ی مهمی برای اقدام جمعی و بسیج مردم است. (Riker V James, 2001:1-7)

مالزی: شکست انحصار اطلاعاتی

در کشوری مالزی، ورود اینترنت، اطلاعات جهانی را در دسترس هر کسی که از کامپیوتر و مودم برخوردار است، قرار داده است. این فرصت‌ها به طبقه‌ی متوسط مالزی توانایی دستیابی به منابع فرعی اطلاعاتی را تا حدی که قبلاً هرگز امکان دسترسی به آن را نداشتند فراهم آورده است. این دستیابی منجر به تضعیف انحصار دولت بر روی رسانه‌ها شده و آن را در معرض انتقاداتی قرار می‌دهد که دیگر قادر به کنترل آنها نیستند. (وود.ت.آلن، ۱۳۸۴: ۱۲۳)

یافته‌های تحقیق

پژوهش حاضر به منظور بررسی فرصت‌های سایبر و تاثیر آن بر شبکه‌های شدن مدنی تدوین شده است. با توجه به داده‌های مذکور در این تحقیق نشان داده شد، اگر چه آسیای جنوب شرقی دارای دسترسی بیشتری نسبت به آمریکای لاتین و آفریقا به اینترنت و قابلیت‌های فضای سایبر است و از سوی دیگر علی‌رغم این که جامعه مدنی فعال‌تری دارند، اما حکومت‌های آسیایی تلاش‌هایی وسیعی را برای ایجاد ممانعت در دسترسی عمومی شهروندان به اطلاعات در این کشورها انجام داده است. با توجه به یافته‌های پژوهش تلاش‌های دولت‌های آسیایی در این زمینه ممانعت از

۱. Instant protest

دسترسی به اطلاعات و شکل‌گیری جنبش‌های مدنی شامل موارد زیر بوده است:

- کنترل دسترسی به اینترنت (ثبات اجباری همه ی کاربران)
- تجسس و بررسی^۱ و مونیترینگ دائمی اینترنت و محدود سازی حجم برنامه‌های اینترنتی با استفاده از فیلترینگ و سانسور اینترنت، پست های الکترونیکی، وب سایت‌ها و وب لاگ‌ها.

• الزام کاربران به اخذ تأییدیه‌های حکومتی برای ایجاد پست‌های خبری.

• مجازات مخالفانی که از اینترنت برای اهداف سیاسی استفاده می‌کنند.

با این حال، علی‌رغم تلاش‌های گسترده انجام شده در این زمینه، اینترنت نشان داده است که وسیله‌ی مهمی برای جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی برای ایجاد شبکه‌های مقاومت در مقابل سیاست‌های حکومتی بوده است. به عبارتی دیگر اینترنت در موارد بسیار زیادی به عنوان وسیله‌ی مهمی برای گسترش گفتمان جدید در باب حقوق بشر و توسعه اقتصادی و دموکراسی بوده است. در بیشتر کشورهای آسیایی مورد مطالعه این پژوهش، جامعه مدنی اقدامات موفق‌تری را از طریق اینترنت برای حصول به خواست‌هایشان انجام داده‌اند که می‌توان آنها را شامل:

• فراهم آوردن منابع ضد اطلاعات در خصوص شرایط حکومت با استفاده از سایت‌های بین‌المللی برای پرهیز از کنترل داخلی و کنترل اقدامات سیاسی، حکومتی و فساد در دولت‌ها و اعمال آنها.

• بسیج شهروندان برای اقدام دسته‌جمعی از جمله اعتراض علیه اقدامات حکومتی در کره و فلیپین و مبارزه از طریق پست‌های الکترونیکی برای تغییر رفتار مقامات سیاسی و حکومتی و بمباران سایت‌های حکومتی از طریق ارسال گسترده‌ی پیام‌های اعتراضی به مقامات حکومتی.

• ایجاد زمینه برای بیان دیدگاه از طریق استفاده از سایت‌های امن و حفظ بی‌نامی در اینترنت.

• فضای سایبر به سازمان‌دهندگان مبارزات سیاسی، فرصتی داده که اسناد و مواد مبارزاتی چون پوستر، فتوگراف و اسناد را از مناطق دور و با هزینه پایین و سرعت بالا میان گروه‌ها و هوادارانشان توزیع کنند. بدین ترتیب اینترنت نشان داده است که وسیله مهمی برای سازماندهی فعالیت‌ها است. همچنان که در مورد مبارزات

۱. surveillance

برمه‌ای‌ها در ماساچوست دیده شد، بدون استفاده از اینترنت امکان هماهنگی بین نیروها وجود نداشت. به عبارتی دیگر، هماهنگی هواداران از طریق تلفنی و یا از طریق ابزارهای سنتی غیر ممکن بود. اینترنت به فعالان سیاسی این امکان را فراهم آورد که اطلاعات در دستشان را با سرعت بسیار بالای ارسال و یا در مواقع لازم دریافت کنند. این موضوع، فعالان سیاسی در کشورهای جنوب شرق آسیا را قادر ساخته که به صورت موفق تری عمل کنند. از سوی دیگر سازماندهان مبارزات سیاسی توانستند صدها نامه‌ی الکترونیکی را تولید و یا دریافت کنند. از سوی دیگر این امکان فراهم شد که با ارسال نامه‌های الکترونیکی به مقامات سیاسی کشورها "لابی سایبرنتیکی" فراهم آورند.

• اینترنت ضمن این که اطلاعات را به سرعت در دست سازمان دهندگان مبارزات سیاسی قرار داد، در مورد برمه، چین، مالزی، فیلیپین و کره نشان داد که قابلیت این را داشت که اطلاعات روزآمد شده‌ای را درباره‌ی شرایط، اوضاع و احوال سیاسی فراهم آورد.

• اینترنت توانست با خود اشکال جدیدی از عمل سیاسی را ممکن سازد. از این روی مردم مؤثرتر و کاراتر از قبل و بدون تمایزات اقتصادی و اجتماعی در این عرصه عمل کردند. بدین ترتیب اینترنت توانست جوامع خود ساخته^۱، جوامع متشکل از منافع خود انتخاب شده و متفاوت از مرزهای بین المللی و مرسوم را ایجاد کند. (Graham Gorden, 1999:18)

[مایکل داوسن] و [جان بلامی فاستر] در این ارتباط معتقدند هستند که تکنولوژی جدید ارتباطی توانست ابزار معاصر انقلابی درازمدتی را تأمین کند که رو به سوی یک دموکراسی با فرهنگ و مشارکت پذیر دارد و در عین حال ابزار ارتباطی کارآمد، متناسب با جوامع پیچیده‌ی صنعتی در شهرها را نیز در اختیار بگذارد. (پارسا، ۱۳۷۹: ۹۴)

نتیجه‌گیری

مورد پژوهشی انجام شده در جنوب شرق آسیا نشان داد که اینترنت دارای قابلیت‌های زیادی برای تسهیل جنبش‌های اجتماعی جدید است. مؤلف این مقاله معتقد است فرصت‌های سایبرنتیک ایجاد شده توانسته است کمک‌های ارزنده‌ای به موفقیت جنبش‌های

۱. self forming community

اجتماعی کند و در ساده ترین شکل آنچه فضای سایبری موفق به انجام آن شده این است که مسافت های جغرافیایی را به شدت تضعیف کرده است. (Galley, Ibid:114)

از سوی دیگر اینترنت توانسته امکان مناسبی را برای فعالان سیاسی در کشورهای در حال توسعه فراهم آورد. در تحقیقات موردی حاضر نشان داده شد که فرصت های سایبری این امکان را فراهم آورد که موانع فیزیکی فعالیت های اجتماعی تقلیل می یابند. از سوی دیگر اینترنت توانست برای ایجاد وحدت بین گروه های پراکنده از لحاظ جغرافیایی و ایجاد جنبش های بین المللی که لازمه پیروزی جنبش های سیاسی هستند، استفاده شود. در نمونه مطرح شده در پژوهش نشان داده شده که وب لاگ صفحات گرافیکی فضای سایبر توانستند جایگزینی برای ژورنالیسم، بروکراسی و دیپلماسی فراهم آورند. به عبارتی دیگری فرصت های اینترنتی افراد را به مهمترین کارگزار حوزه ی وب لاگ ها و اینترنت تبدیل کرده است. همان گونه که در کشورهای جنوب شرق آسیا نشان داده شد، امروز هر فردی با داشتن دانش اندکی قادر به ورود به این فضا شده و به تنهایی قادر به راه انداختن جنبش های اجتماعی وسیعی شده اند. چنان که در موارد زیادی در این کشورها نشان داده شد که افراد منبع شکل گیری جنبش هایی شده اند که دارای تظاهر زمینی هم بوده است (نمونه تظاهرات کره ای ها علیه سربازان آمریکایی) از این رو در شرایط جدید، جنبش ها ضمن آن که اجتماعی اند، فردی نیز شده اند. در پژوهش حاضر نشان داده شد که افراد به جای احزاب، انجمن ها و سازمان های غیر دولتی، از پشت مانیتور چند اینچی خود و بدون حضور و مشورت با جریانی، قادر به بیان اندیشه های انتقادی و اعلام نظر در هر مسئله ای شده اند. در نمونه های مطالعه شده نشان داده شد که وب لاگ نویسانی از کشورهای چین به تنهایی با قدرت سایبرنتیکی که در دنیای مجازی یافته اند به موی دماغ بسیاری از رژیم های توتالیتر و دیکتاتوری ها در بیشتر کشورهای جهان در حال توسعه و جنوب تبدیل شده اند و دولت ها را مجبور به تغییر برنامه ها و استراتژی هایشان کرده اند. از این روی در شرایط جدید بدون شک می توان از تأثیرات سایبرنتیکی، دیجیتال و وب لاگی در مقابل تأثیرات هالیودی و سی ان انی صحبت کرد. در پایان، مقاله با طرح دیدگاه جان استریت تمام می پذیرد. [جان استریت] در زمینه ی تأثیرات شرایط جدید گفته است که فناوری جدید بخشی از یک سناریوی سوم را تشکیل می دهد. سناریویی که در آن قدرت حکومت، احزاب

و شرکت های تجاری بزرگ به وسیله ی جنبش های اجتماعی هماهنگ گردیده ای به کمک وسایل الکترونیکی، تهدید می شود. جنبش هایی که ظاهراً خود جوش یا آنی رخ دهند. شبکه های پست الکترونیکی، ناراضیانی پنهان به وجود می آورند که دیگر هیچ گونه احساس وفاداری به قدرت های به ظاهر کنترل کننده خود نمی کنند. این جنبش ها با استفاده از دوربین های فیلمبرداری دیجیتال و فناوری های جدید برقراری ارتباط از راه دور، قادر خواهند بود، پیام های خود را بدون نیاز به قدرت واسطه ای مانند قدرت (پخش پیام) کانال های تلویزیونی عادی یا بدون رعایت مقررات وضع شده به دست حکومت پخش کند. (استریت جان، ۱۳۸۴: ۳۸۹)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع:

الف) فارسی

۱. استریت جان (۱۳۸۴) رسانه‌های فراگیر: سیاست و دموکراسی، ترجمه حبیب الله فقیهی نژاد، تهران انتشارات موسسه انتشاراتی روزنامه ایران.
۲. پارسا خسرو (۱۳۷۹) مجموعه مقالات در باره ی ”جامعه ی انفورماتیک و سرمایه‌داری: واقعیت و اسطوره“، تهران: انتشارات نشر آگه.
۳. تیلی، چارلز (۱۳۸۵) از بسیج تا انقلاب، ترجمه علی مرشدیزاده، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
۴. خلفخانی مهدی (۱۳۸۷) فرصتهای اطلاعاتی و ارتباطی برای دموکراتیزه شدن در فضای سایبر، رساله دکتری تخصصی علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات.
۵. کوئین رابینز، فرانک ویستر (۱۳۸۵) عصر فرهنگ فناورانه: از جامعه اطلاعاتی تا زندگی مجازی، ترجمه مهدی داودی، تهران: نشر توسعه.
۶. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱)، درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی، معاونت پژوهشی انتشارات پژوهشکده امام خمینی، تهران.
۷. نش، کیت. (۱۳۸۰) جامعه شناسی معاصر (جهانی شدن سیاست و قدرت)، ترجمه محمدتقی دلفروز، چاپ اول، تهران: انتشارات کویر.
۸. وود. ت. آلن (۱۳۸۴) دموکراسی های آسیایی، ترجمه زهرا زهرایی، تهران: موسسه انتشاراتی امیرکبیر.

ب) انگلیسی

9. Auis, 1995.
10. Burton F Daniel (1997) **the brave new wired world**, foreign policy, No.106.
11. Danitz Tiffany and Strobel P.Warren (2000) **networks and net wars: the future of terror**. crime and militancy. USIP. virtual diplomacy series.No.3.www.usip.org/oc/vd/vdr/vburma/vburma_intro.html.
12. David Romano (2006) **The Kurdish Nationalist Movement**, Published in the United States of America by Cambridge University Press, New York.
13. David Romano (2006)**The Kurdish Nationalist Movement**, Published in the United States of America by Cambridge University Press, New York .
14. Graham Gorden. (1999) **the internet: a philosophical inquiry**.P:18
15. Holmes, D. (Ed.) (1997) **virtual politics:identity and community in cyberspace** .**London Phar Kim Beng (2000)on the rational institutional design of ASEAN**, Uni-versity of Helsinki, Finland.
16. Human development report (2001)**making new technologies work for human development**. UNDP. published by Network.Oxford.
17. Human development report. 2001.
18. Kim Hun Shik (2003) media, **the public and freedom of the press**. social indica-tors research. Kluwer academic publishers. Printed in the Netherlands.
19. Mackinnon Rebecca (2007) **Flatter world and thicker walls?** Blogs. censorship and civic discourse in china. journalisim &mdia studies Ctr. university of Hong Kong. E-mail: Rebecca.mackinnon@mac.com.

20. Mark granovetter(1990)**structural analysis in the social science**4, political network, Cambridge university press.
21. Mark Poster(1996) **Introduction to the Forum on 'A Magna Carta for the Knowledge Age'**: Cyberspace and the American Dream. Inf. Soc.
22. Mark Poster(1999)**Nations, Identities, and Global Technologies**. New Information Technologies in Organizational Processes.
23. Membrey. 2004.
24. Meyer David S.,Nancy Whittier, & Belinda Robnett(2002) **SOCIAL MOVEMENTS: Identity, Culture, and the State**, Published by Oxford University Press, Inc.
25. Meyer David S.,Nancy Whittier, & Belinda Robnett(2002) **SOCIAL MOVEMENTS: Identity, Culture, and the State**, Published by Oxford University Press, Inc,p111.
26. Rheingold Howard (1999) **Virtual Communities, University of California**, Berkeley Department of Sociologyppp.
27. Riker V James (2001) **using information technology to faster democracy: the promise and perils of civil society advocacy in Asia**. prepare for independent sector spring research forum, Washington, DC.
28. Roza Tsagarousianon, **Damian Tamini and Cathy Bryan(1998) Cyber democracy**. technology,cities and civic network first published by Rutledge.
29. Stromer Jennnifer –Galley (2002) **new voice in the public sphere: political conversation in the internet age**. presented to the faculties of the University of Pennsylvania in partial fulfillment of the requirement for the degree of doctor of philosophy in communication
30. Thompson Jon (1997) **the media and modernity social theory of the media**, Stanford: Stanford University Press.
31. Tilly Charlse(1978) **from mobilization to revolution**, New York: Random house publisher,p9.
32. Undermine freedom of expression in china. www.amenesty.org.uk2006.
33. Waer, Irene.1997.How Democratic can we Get? **The internet, the public sphere, and pubic Discourse**.JAC:A Journal of composition Theory Ess,Charles,1996(Ed). Philosophical perspectives on computer mediated communication, Albany,ny,suNy press.